

پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران
دوره ۱۰، شماره پیاپی ۱۹
بهار و تابستان ۱۳۹۹، صص ۳۱۶-۲۷۹

نشانه‌شناسی فرهنگی نقوش خال کوبی زنان بختیاری ساکن خوزستان

مهنوش عباس‌زاده^۱
علیرضا خدای^۲

تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۱۱/۲۵

تاریخ پذیرش ۱۴۰۰/۳/۲۷

چکیده

هنرهای بومی و قومی، بخش تحسین‌برانگیز میراث فرهنگی هستند. در این میان خال‌کوبی رسمی دیرینه محسوب می‌شود که در سراسر جهان عملی رایج به‌شمار می‌رود. در کشور ما ایران نیز، خال‌کوبی میان اقوام گوناگون قدمتی دیرینه دارد و در میان اقوام بختیاری نیز این عمل مرسوم بوده است. خال‌کوبی زنان بختیاری ساکن خوزستان جلوه‌ای از فرهنگ اقوامی است که باورها و اعتقادات آنان را به‌صورت نقش بر متن بدنشان متجلی می‌کند. پژوهش توصیفی - تحلیلی حاضر با استفاده از روش مردم‌نگاری و نشانه‌شناسی فرهنگی به ارزیابی نقوش خال‌کوبی زنان بختیاری ساکن خوزستان پرداخته و با تأکید بر آرای یوری لوتمان (۱۹۸۴)، نقوش خال‌کوبی حک شده بر متن بدن زنان بختیاری منطقه خوزستان، معنای آن و همچنین تأثیر فرهنگ، باورها و اعتقادات این مردمان را واکاوی کرده است. گردآوری اطلاعات علاوه بر منابع کتابخانه‌ای، به‌کمک مصاحبه و مشاهده میدانی صورت گرفته است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که خال‌کوبی زنان بختیاری به دلایل گوناگونی چون تزیین و آراستن، درمان و شفایافتن، خاصیت جادویی و مقابله با نیروهای مافوق طبیعی و همچنین محافظت زن باردار در برابر آل‌به‌کار می‌رود. هنرمند بختیاری آثار خود را با الهام از طبیعت و جهان موجود می‌سازد که در این میان نقوش کیهانی، هندسی انتزاعی، جانوری، گیاهی، زیورآلات، اشیا و در برخی مواقع نقوش انسانی قابل توجه است. برخی از نقوش مانند خورشید، ستاره، چلیپا، بز کوهی و آل باوری نمادین هستند و حضوری دیرینه در فرهنگ کهن ایل بختیاری دارند.

واژه‌های کلیدی: ایل بختیاری، خوزستان، فرهنگ و هنر، نشانه‌شناسی فرهنگی، نقوش خال‌کوبی.

^۱ کارشناسی ارشد دانشگاه هنر اصفهان؛ نویسنده مسئول: mehrart89@gmail.com

^۲ عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز

مقدمه و بیان مسئله

از منظر نشانه‌شناسی، نشانه‌ها قادرند به شکل تصاویر، کلمات، اشیاء، اصوات و اطوار آشکار شوند (چندلر، ۱۳۹۷: ۲۲). نشانه‌ها را می‌توان جزئی از فرهنگ یک جامعه دانست. نشانه‌ها می‌توانند زبان یک فرهنگ تلقی شوند. هنرهای بدنی را می‌توان یکی از انواع این نشانه‌ها برشمرد. در میان این هنرها، خال‌کوبی که در نقاط مختلف جهان وجود دارد، دارای پیشینه‌ای طولانی است. خال‌کوبی در میان مصریان باستان و در میان رومی‌ها، سکاها، ترکیان، و در اروپا عملی رایج بود (پپل و بایلی، ۲۰۱۲: ۳۴۵). خال‌کوبی در کشور ما، ایران نیز به صورت گسترده متداول بوده و تا حدود ۴۰ سال پیش در غرب کشور در شهرهایی مانند کردستان، لرستان و نیز میان برخی عشایر در سایر نقاط مرسوم بوده است. در میان اقوام بختیاری نیز که شاخه‌ای از اقوام لر هستند، خال‌کوبی عملی رایج بوده است. باید توجه داشت که نقش خال زنان و مردان بختیاری متفاوت از یکدیگر است. مردان نقوشی را انتخاب می‌کردند که حامل معنای رمزی و نمادین بیشتری باشد. آن‌ها بر کتف و بازوی خود تصاویری از قبیل شیر، حیوانات شکاری، پری بالدار، شمشیر، عقرب، حروف و عبارتهای مهرآمیز را خال‌کوبی می‌کردند. زنان بختیاری نیز خال‌کوبی را بیشتر برای بالابردن زیبایی خود به کار می‌بردند. آنان بر چانه، گونه، پیشانی، دنباله ابرو، میان ابروها، زیر لب، لب، شقیقه، روی انگشتان و قوزک پا، خال سبز را می‌کوبیدند. در نقوش خال‌کوبی که روی بدن زنان بختیاری مشاهده می‌شود، با نقوش ساده و انتزاعی مواجه می‌شویم که از پدیده‌های پیرامون مانند گیاهان، حیوانات، گل‌ها، حشرات و باورهای عوامانه نشئت گرفته‌اند که از واقع‌گرایی رئالیسم به دور مانده، ولی با الهام از دنیای واقعی به شکل نمادین و اشکال ساده هندسی درآمده‌اند. تاکنون پژوهش‌های جامعی درباره خال‌کوبی زنان بختیاری که بتواند علل و انگیزه خال‌کوبی را در این قوم ریشه‌یابی کند، مشاهده نشده است. برای بررسی خال‌کوبی رویکردهای مختلفی وجود دارد که یکی از آن‌ها نشانه‌شناسی فرهنگی است که می‌تواند هر متنی را به‌عنوان فرهنگ بررسی کند. نشانه‌شناسی را نمی‌توان فرهنگی محدود به موضوع فرهنگ دانست؛ زیرا از دوگانۀ طبیعت و فرهنگ عبور می‌کند و هر چیزی را که انسان قادر است دریافت کند، بررسی می‌کند (عربشاهی، ۱۳۹۸: ۹۲). از عمده‌ترین مکاتبی که در حوزه نشانه‌شناسی فرهنگی قوت گرفت، مکتب تارتوست که فرهنگ را نظام نشانه‌ای گسترده می‌داند که در مقابل طبیعت بی‌معناست (لوتمان، ۱۹۸۴). از چهره‌های فعال مکتب تارتو، میخایلوویچ لوتمان است که از پایه‌گذاران مکتب نشانه‌شناسی تارتو-مسکو به‌شمار می‌آید (سمنکو، ۱۳۹۶: ۲). در میان نشانه‌های فرهنگی می‌توان به هنرهای بدنی اشاره کرد؛ یعنی افزایش مصنوعات هنری یا زیبایی بدن انسان از طریق تیغ‌زنی، نقاشی، خال‌کوبی یا راه‌های دیگر (پپلز و بایلی، ۲۰۱۲: ۳۴۳). در این پژوهش، نقوش

خال کوبی زنان بختیاری ساکن خوزستان با استفاده از روش مردم‌نگاری و نشانه‌شناسی فرهنگی یوری لوتمان و نظریه سپهر نشانه‌ای وی بررسی و به‌منظور تحلیل نشانه‌شناختی این نقوش به معرفی و شناسایی و عوامل ایجاد آن‌ها پرداخته شد. راهکار پیش‌گرفته در این جستار درک درست فضای نشانه‌شناختی خال کوبی‌های زنان بختیاری و بازکاوی نشانه‌های کاربردی با توجه به نظریه لوتمان است. همچنین ارتباط میان نقوش خال کوبی و ارتباط آن‌ها با بافت فرهنگی و اجتماعی ایل بررسی شده است. وقتی به مطالعه فرایندهای فرهنگی از قبیل نقوش خال کوبی می‌پردازیم، با کنش‌هایی که برای زنان بختیاری به‌عنوان اعضای فرهنگی ایل بختیاری قلمداد می‌شوند، به‌منزله نشانه برخورد می‌کنیم و متعاقب آن به‌دنبال درک و تفسیر درستی از آن هستیم. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش بوده است که خال کوبی زنان بختیاری ساکن خوزستان چه مفهوم یا مفاهیم فرهنگی را در خود جای داده است؟ همچنین این پژوهش درصدد بررسی این فرضیه است که زنان بختیاری از عمل خال کوبی با نمادهای گوناگون علاوه بر درمان بیماری‌ها، برای مقابله با نیروهای ماورایی بهره می‌برند.

پیشینه پژوهش

ولفا و همکاران (۲۰۱۶)، در پژوهش خود بیان کردند که اگرچه عمل خال کوبی در فرهنگ‌های مختلف سراسر جهان و در طول تاریخ بشر انجام شده، تاریخ باستانی آن همچنان ناشناخته است. درباره قدیمی‌ترین بقایای خال کوبی، میان دانشمندان اختلاف نظر وجود دارد. این پژوهش مشخص می‌کند که قدیمی‌ترین خال کوبی‌های حفظ‌شده که تاکنون شناخته شده‌اند، متعلق به مرد یخی تیرولین موسوم به اتزی و مومیایی ناشناس چینچورو آمریکای جنوبی است. متأسفانه شواهد کمی وجود دارد که اطلاعاتی از خال کوبی در دوران باستان را ارائه می‌دهد. با بررسی مجدد هویت نمونه آمریکای جنوبی و داده‌های رادیوکربن مرتبط، می‌توان بیان کرد که اتزی، قدیمی‌ترین خال کوبی محافظت‌شده در جهان را نشان می‌دهد.

کاسا و ویت (۲۰۱۳) به بررسی خال کوبی در فرهنگ پازیریک پرداختند. موضوع مورد بررسی آن‌ها معمولاً حیواناتی بود که به‌صورت پویا تصویر شده‌اند. در میان گروه‌های مختلف اجتماعی تفاوت‌هایی در روش‌های خال کوبی وجود دارد. برای افراد عادی، نقوش خال کوبی معمولاً روی دست یا شانه بود. در بسیاری از نمونه‌ها، مردان حیوانات شکنجه‌شده را روی بدن تصویر کرده‌اند. مشهورترین نقاشی‌هایی که در خال کوبی‌ها به تصویر کشیده شده است، هیولاها یا جانوران ترکیبی بودند. تصاویر خال کوبی با نقوش ترکیبی یک بز وحشی با منقار عقاب و دم پلنگ و همچنین یک قوچ وحشی واقعی و یک پلنگ با دم مارپیچ بسیار بلند به‌کار می‌رفته

است. همچنین در میان خال‌کوبی‌ها، تصاویری از خدایان زومورفی چینی وجود دارد. برخی از این نقوش اصالتی ایرانی دارند.

نظر شیفلد (۲۰۰۷) در پژوهش خود این است که خال‌کوبی‌ها در بسیاری از مذاهب نقش مهمی ایفا می‌کنند. این نقوش هزاران سال به‌عنوان ابزار مهمی در آیین و سنت کاربرد داشته‌اند و بسیاری از مذاهب، به‌ویژه بودیسم و هندوئیسم، استفاده گسترده‌تری از آن کرده‌اند. خال‌کوبی به افراد با مذاهب مختلف کمک می‌کرد تا خود را دوباره از نو بسازند و در چشم خدایانشان مهم جلوه کنند. با ظهور یهودیت، مسیحیت و اسلام و تسلط ایمان توحیدی، استفاده از خال‌کوبی کاهش یافت. اگرچه در حال حاضر خال‌کوبی توسط افراد گوناگون - از گانگسترهای ژاپنی گرفته تا زندانیان روسی و آمریکایی - کاربرد بیشتری دارد، همچنان به لحاظ تاریخی و فرهنگی اهمیت خود را حفظ کرده است؛ زیرا به تاریخ باستانی و فرهنگ مقدس هر کشور مربوط می‌شود.

عابدینی و همکاران (۱۳۹۶)، در پژوهش خود به این نتیجه می‌رسند که انسان در فرهنگ‌های کوچ‌نشینی، کشاورزی و شکارگری همواره بر سر منابع غذایی با گرگ در تنش بوده است. از همین رو به شیوه‌ای منفی به تصویر درآمده است. تغییر نگاه انسان امروزی به حیوانی درنده، ولی بسیار مهم در چرخه طبیعت به این دلیل است که ویژگی‌های دیگری از گرگ مانند خطرپذیری، باهوشی، شجاعت و... برجسته شده است. این نگاه در فرهنگ‌های گوناگون به این منجر شد که گرگ به یک توت‌م تبدیل شود. از کارکردهای مختلف خال‌کوبی در طول تاریخ، می‌توان به انعکاس باورهای انسان توت‌م‌پرست به گرگ به‌عنوان توت‌م اشاره کرد. با این توصیف گرگ‌ها توانسته‌اند از دیرباز تاکنون به‌صورت ثابت یکی از نقش‌های پرتکرار تاتو زنان و خال‌کوبان بر بدن انسان باشند. خال‌کوبی در نقاط گوناگون دنیا به‌طور مستقل با اشکال گوناگون و کارکردهای متفاوت به‌وجود آمده است. گرگ و تأثیر شیر آن در پرورش شخصیت‌های اساطیری و دینی و چهره متفاوت آن در اسطوره‌ها، توت‌م‌شدن آن در بعضی جوامع و خال‌کوبی‌کردن تصویر آن بر متن بدن انسان بسیار بحث‌برانگیز است.

فکوهی (۱۳۹۶) در مصاحبه‌ای به این موضوع پرداخته است که امروزه توت‌کردن در ایران به‌نوعی مد تبدیل شده است که متأثر از فرهنگ غرب است. به گفته وی، تاتو پیش از هر چیز سیستمی باستانی و سنتی به‌شمار می‌آید. تغییر بدن با اضافه‌کردن یا کم‌کردن چیزی از آن، آراستن و پیراستن آن، پدیده‌ای سنتی است که پیشینه‌ای بسیار طولانی در همه فرهنگ‌ها دارد و به این موضوع می‌پردازد که فنون کالبدی شامل نشانه‌گذاری و تاتو اگر با نظام‌های ایدئولوژیک در تضاد قرار بگیرند، از لحاظ اجتماعی پذیرفته نمی‌شوند. به گفته فکوهی، ممکن

است تصاویر بسیاری از نقوش خال کوبی در ایران وجود داشته باشد، اما متأسفانه تاکنون مطالعات بیشتری درباره این موضوع نشده است.

صرامی (۱۳۹۵) به بررسی تاتو با دو نکته در حوزه انسان‌شناسی هنر پرداخته است. نکته نخست این است که ویژگی‌های زیباشناختی در نظریه‌های هنری تا چه اندازه درباره تاتو صدق می‌کند؟ وی همچنین به کارکردهای تاتو در ساختار اجتماعی و فرهنگی معاصر پرداخته و نتیجه گرفته است که نقوش تاتو و ایجاد آن‌ها بر بدن از ارزش زیباشناختی و ویژگی‌های تزئینی در ساختار اجتماعی و فرهنگی برخوردار است که می‌تواند معنای نمادینی داشته باشد که از مناسبات اجتماعی از قبیل تمایلات گروهی، آیینی و بافت تاریخی و فرهنگی آن جامعه تأثیر بپذیرد و همچنین می‌توان آن را برآمده از تمایلات فردی مانند تمایل به زیبایی دانست.

مجیدی خامنه (۱۳۹۳) با مطالعه کارکردهای خال کوبی و رابطه آن با ساختار جامعه به این موضوع اشاره می‌کند که خال کوبی در ایران قدمت بسیاری دارد. از دوره هخامنشیان تندیس‌هایی در پازیریک و لرستان کشف شده که نشان خال کوبی بر بدنشان وجود داشته است. ضرب‌المثلی در میان زنان عرب وجود دارد که می‌گویند: «خال کوبی طلای دختر فقیر است». قسمت‌هایی از بدن که برای خال کوبی به کار می‌رود، عبارت است از: میان ابروان، چانه، وسط پیشانی، روی بینی، مچ دست، ساعد، انگشتان دست‌ها، روی شانه‌ها، سینه، انگشتان پاها، پنجه پاها و قوزک پا. خال کوبی جنبه زیبایی و تزئین و همچنین جنبه درمانی نیز دارد. براساس باورها خال کوبی برای افزایش مهر شوهر، رفع چشم زخم و سوگند وفاداری و نشانه عضویت در گروهی خاص به کار می‌رفت. علاوه بر زنان، مردان نیز عمل خال کوبی را انجام می‌دادند. پهلوانان و شبه‌پهلوانان، خال کوبی را روی سینه، بازو و کتف به کار می‌بردند.

سبزی (۱۳۸۹) با بررسی شناخت فرهنگ خال کوبی میان کولیان خیابان بوعلی شهر کوه‌دشت نتیجه گرفت که در نقوش خال کوبی کولیان، بعضی از نشانه‌ها و علائم مانند تصاویر ببر، مار، شمع، عقرب، زن و مرد، شعر و حروف اول اسم، پری دریایی و گل رواج بیشتری دارد. حروف اول اسامی به انگلیسی برای به‌خاطر سپردن یاد و خاطره شخصی که اسمش را بر بدن خال کوبی می‌کردند، استفاده می‌شد. از نقوش رایج خال کوبی می‌توان به عقرب که نماد تلخ‌کامی و زهر و کین است و کبوتر که نماد آزادی، صلح و دوستی به‌شمار می‌آید، اشاره کرد. گاهی نقش حیوان را برای انتقال قدرت آن حیوان به شخص روی بدن خال کوبی می‌کنند. همچنین خال کوبی اسامی امامان روی بدن را می‌توان از دیگر آثار توتمیسم دانست. می‌توان خال کوبی را نمودی از کهن‌الگو دانست که به‌صورت یک عقده روانی ظهور کرده و فرد را وادار می‌کند تا خالی را روی بدنش حک کند.

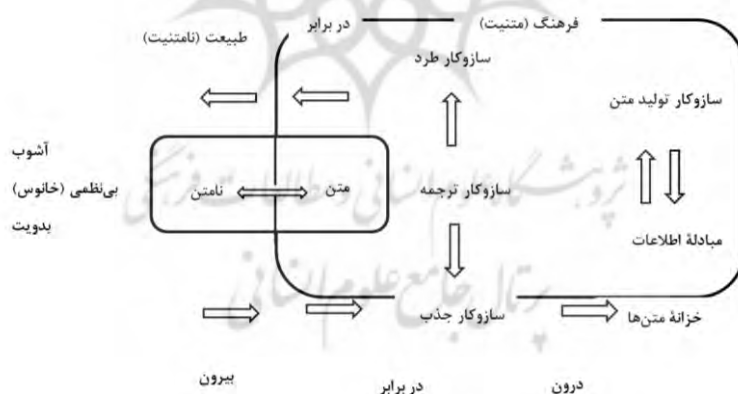
سجیراتی (۱۳۸۷) به مطالعه و ریشه‌یابی نقوش هنرهای بومی مردم عرب خوزستان پرداخته است که دست‌ساخته‌هایی مانند میناکاری روی طلا و نقره، خال‌کوبی، جواهرسازی و دست‌بافته‌هایی از قبیل حصیربافی، قالی‌بافی، چفیه‌بافی، عبابافی، خورجین‌بافی، جاجیم‌بافی و قلاب سنگ‌بافی را شامل می‌شود. وی بر این باور است، نقوشی را که مردم عرب خوزستان در هنرهای بومی خود به کار می‌برند، می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: نقوش‌هایی که عینی هستند و ارتباط نزدیکی با زندگی روزمره مردم عرب خوزستان دارند. نقوشی که انتزاعی هستند و تنها برای هدف تزیینی به کار می‌روند. در بررسی نقوش هنرهای گوناگون دوازده نقش مشترک وجود دارد که بیشترین اشتراک را می‌توان در میان نقوش قالی‌بافی و خال‌کوبی مشاهده کرد. سجیراتی اعتقاد دارد ریشه برخی از این نقوش‌ها را می‌توان در نقاشی‌های غار دوشه و میرملاس لرستان و نقوش سفالینه‌های پیشاتاریخی تل باکون شیراز، سیلک و شوش یافت.

بهزادی (۱۳۶۸) در پژوهش خود به ریشه‌یابی نقوش خال‌کوبی از دیرباز تاکنون و اهمیت آن در میان کشورها و قبیله‌های گوناگونی پرداخته است. همچنین مواد، رنگ‌ها و ابزارهای به‌کاررفته و نحوه انجام خال‌کوبی، چگونگی از بین بردن و کارکردهای مختلف آن را میان طوایف بدوی در سراسر جهان بررسی کرده است. وی در این مقاله نتایجی مربوط به نژادشناسی در اختیار ما می‌گذارد که حاکی از مهاجرت‌ها و تماس‌های فرهنگی اقوام گوناگون است. همچنین به مطالعه مفصل طرح‌ها پرداخته است. وی بر این باور است که اهمیت و موارد استفاده این علائم که نقش بسزایی در زندگی بشر ابتدایی ایفا می‌کنند، چندجانبه است؛ زیرا علاوه بر جنبه اجتماعی بومی، جنبه جادوگری و مذهبی نیز دارد. اعتقاد کلی مردم به تأثیرات مافوق طبیعی خال‌کوبی در عصر حاضر سبب شده است که آن را حفاظی سحرآمیز علیه بیماری و دیگر مصائب بدانند. بسیاری از اقوام و نژادهای مختلف نیز به تأثیر خال‌کوبی بر جهان دیگر اعتقاد دارند. همچنین برخی از محققان به جنبه مذهبی خال‌کوبی توجه بسیاری کرده‌اند؛ زیرا این عمل با دعاخواندن، قربانی‌کردن و دیگر مراسم مذهبی همراه بوده و بیشتر طرح‌های به‌کاررفته آن‌ها نقوش خدایان بوده است.

نشانه‌شناسی فرهنگی

نشانه‌شناسی فرهنگی یکی از موضوعاتی است که در دهه‌های اخیر توجه متفکران روسیه و انگلستان را در نشانه‌شناسی به خود جلب کرده است. در سال ۱۹۷۳ نشانه‌شناسی فرهنگی با میراث فرمالیسم روسی و محفل زبان‌شناسی پراگ به دور از ساخت‌گرایی به‌وجود آمد؛ البته فعالیت‌های بی‌شماری درباره نشانه‌شناسی فرهنگی در سال ۱۹۸۴ در لندن آغاز شد که طی آن، کلکر تلاش کرد نشانه‌شناسی فرهنگی را با سایر رشته‌های علمی که مرتبط با فرهنگ هستند،

ارتباط دهد؛ در نتیجه ما در نشانه‌شناسی فرهنگی با دو مکتب روبه‌رو هستیم: مکتب تارتو در روسیه و مکتب لندن در انگلستان (سجودی، ۱۳۹۰: ۲۷). در این پژوهش، دیدگاه نشانه‌شناسی فرهنگی در مکتب تارتو مدنظر است. مکتب تارتو را یوری لوتمان، نشانه‌شناس و مورخ فرهنگی روسی (۱۹۲۲-۱۹۹۳) در دهه ۱۹۶۰ مطرح کرد. تلاش‌های او را باید بخشی از سنت نشانه‌شناسی فرمالیسم ساختارگرا دانست، اما به ایجاد نشانه‌شناسی فرهنگی نیز کمک شایانی کرد. لوتمان و مکتب تارتو مسکو، نشانه‌شناسی فرهنگی را دانشی برای مطالعه وابستگی‌های کارکردی نظام‌های نشانه‌ای می‌دانند که به‌صورت رایج در فرهنگ مشاهده می‌شوند، اما این نظام‌های نشانه‌ای تنها در اثرگذاری متقابل و در ارتباط با یکدیگر می‌توانند نقش خود را ایفا کنند. در کل جهان نشانه‌ای فرهنگ، همه نظام‌های نشانه‌ای مرتبط با یکدیگرند و با هم به تبادل می‌پردازند؛ پس نظام نشانه‌ای بسته‌ای موجود نیست. در فرهنگ متونی وجود دارند که معنای آن‌ها با معنای نشانه‌ها به‌دست می‌آید و قادرند به‌عنوان اجتماعی از نشانه‌ها کاربرد داشته باشند. در واقع ما زمانی قادریم معنای این متون را درک کنیم که معنای نشانه‌های حاضر در آن را بفهمیم. در نشانه‌شناسی فرهنگی، فرهنگ معنادار در مقابل طبیعت بی‌معنا قرار می‌گیرد. طبیعت به معنای چیزهایی است که انسانی نشده و برای انسان بی‌معناست؛ در نتیجه به انسان کاری ندارد. پس آنچه در زمین و بیرون از آن توجه ما را به خود جلب می‌کند و ما روی آن اسمی می‌نهمیم، داخل در مفهوم فرهنگ و خارج از مفهوم طبیعت است.



شکل ۱. الگوی مکتب تارتو

منبع: سنسون، ۱۳۹۰

در دیدگاه‌های لوتمان با دو نظام الگوساز مواجه می‌شویم که از دیدگاه وی بسیار مهم هستند. به اعتقاد لوتمان زبان، نظام الگوساز اولیه است و فرهنگ، هنر، خرده‌نظام‌ها و

پدیده‌های فرهنگی، نظام الگوساز ثانویه هستند. به اعتقاد وی، اسطوره، آداب و سنن، مذهب و غیره نیز نظام‌های الگوساز ثانویه محسوب می‌شوند. بر همین اساس لوتمان نظام الگوساز ثانویه را نشانه‌شناسی فرهنگی دانسته است. به اعتقاد وی هر دوی این نظام‌ها در فضایی بزرگ‌تر قرار می‌گیرند که آن را سپهر نشانه‌ای می‌نامند (غفاری نیل، ۱۳۹۵).

سپهر نشانه‌ای^۱

اگر کلیت همه نظام‌های نشانه‌ای در تمام جهان را سپهر نشانه‌ای بخوانیم، می‌توان گفت نشانه‌شناسی فرهنگی، فرهنگ را به‌عنوان بخشی از سپهر نشانه‌ای مطالعه می‌کند؛ به بیان دیگر، نشانه‌ای شدن جهان، فرهنگ بنیاد است. در چارچوب سپهر نشانه‌ای، فرهنگ‌ها به همان صورت رفتار می‌کنند که رسانه‌ها در چارچوب یک فرهنگ (عربشاهی، ۱۳۹۸: ۵۶). سپهر نشانه‌ای ژرفایی در زمانی دارد؛ زیرا با نظام حافظه‌ای پیچیده‌ای معین می‌شود و بدون آن قادر به کارکردن نیست. سازوکار حافظه نه تنها در زیرساخت‌های نشانه‌ای، بلکه در سپهر نشانه‌ای مانند یک کل وقوع می‌یابد. با وجود این واقعیت که سپهر نشانه‌ای ما را احاطه کرده است، سپهر نشانه‌ای خود را به‌صورت آشفته، بی‌نظم و مجموعه‌ای از عناصر مستقل و خودمختار نشان می‌دهد. می‌توان تحول عناصر سپهر نشانه‌ای (زیرساخت) را ناشی از ویژگی‌های آن‌ها و در نتیجه افزایش تنوع درونی آن‌ها دانست. هرچند این مسئله یکپارچگی و تمامیت سپهر نشانه‌ای را از میان نمی‌برد؛ زیرا بنیاد همه فرایندهای ارتباطی در اصل ثابتی قرار دارد که آن‌ها را شبیه یکدیگر می‌کند (سجودی، ۱۳۹۶: ۲۴۵). سپهر نشانه‌ای فضای نشانه‌ای است که بیرون از آن نشانگی^۲ وجود ندارد (همان: ۲۲۲). لوتمان در سپهر نشانه‌ای، بررسی یک متن را به‌صورت مجزا برای پی‌بردن به ژرف‌ساخت‌ها و مؤلفه‌های فرهنگی یک فرهنگ مطلوب نمی‌داند. وی بر این باور است که «فضای سپهر نشانه‌ای خصلتی انتزاعی دارد. ما در ذهن خود فضای خاصی داریم که حاوی نشانه‌هایی است که به آن فضای بسته اختصاص دارند. فقط در چنین فضایی است که فرایندهای ارتباطی ممکن و ایجاد اطلاعات تازه محقق می‌شود» (غفاری نیل، ۱۳۹۵). اگر ما جامعه بختیاری را یک سپهر نشانه‌ای در نظر بگیریم و بخواهیم خال کوبی را مجزا و بدون در نظر گرفتن مؤلفه‌های فرهنگی ایل بختیاری بررسی کنیم، به نتیجه مطلوب دست نمی‌یابیم؛ زیرا نقوش خال کوبی برگرفته از سپهر نشانه‌ای ایل بختیاری هستند. مطالعه یک متن در بستری از متون دیگر و در ارتباط با آن توصیه می‌شود؛ زیرا اجتماع براساس تأثیرات فرهنگی و باورهای ایدئولوژیک، بر کارکردهای هویتی تأثیر می‌گذارد؛ در نتیجه

^۱ Semiosphere

^۲ Semiosis

در این پژوهش خال کوبی زنان در ارتباط با سایر مسائل مانند آداب و رسوم و باورهای آنان بررسی شد و این نتیجه به دست آمد که این زنان چگونه از آن به عنوان راهبردی برای کسب هویت فرهنگی و قومی خود و تثبیت آن بهره می‌برند. مضمون عمومی سپهر نشانه‌ای این است که در جهان ما تفسیر و رمزگان و پدیده‌های فرهنگی هر متن در صورتی محقق می‌شود که آن متن را در پیوستار نشانه‌ای خاص خود و در یک سپهر نشانه‌ای کل مطالعه کنیم تا ارتباط آن با متن‌های دیگر و با کل عناصر سپهر نشانه‌ای مشخص شود (غلامپور گلی، ۱۳۹۰). به اعتقاد لوتمان متن چیزی است که بتواند تفسیر شود. متون قابلیت تفسیر دارند؛ زیرا متعلق به آن فرهنگ هستند و از درون آن برخاسته‌اند و در فرهنگ، نظامی برای تفسیر کردن آن‌ها وجود دارد، اما قادر نیستیم متن را تفسیر کنیم؛ زیرا فرهنگ آن‌ها را طرد کرده است و نافرنگ بوده و دارای بی‌نظمی و آشوب است، اما فرهنگ نظم دارد (همان). گفتمان خال کوبی در راستای بازسازی هویت سیر می‌کند و در جهت شکل‌دهی به تن و ظاهری آرمانی به پیش می‌رود. خال کوبی در سپهر نشانه‌ای ایران همواره یک نامتن است؛ زیرا موجب بی‌نظمی می‌شود و از سوی فرهنگ جامعه طرد شده است، اما چنانچه به خال کوبی در سپهر نشانه‌ای ایل بختیاری بپردازیم، این «نامتن» به «متن» تبدیل می‌شود؛ زیرا در ایل بختیاری پذیرفته شده است و زنان دلایل خاص خود را برای انجام این عمل دارند. خال کوبی یک ناهنجاری نیست، بلکه هنجاری به شمار می‌آید که مطابق با الگوهای جامعه در برهه‌ای از زمان هویت‌یابی شده و متأثر از تفاوت و ناهمگونی‌هاست تا شکل‌گیری براساس شباهت و همگونی. خال کوبی معمولاً شکلی از هنر است و مانند نقاشی رفتاری غیرکلامی و هنری به شمار می‌آید که امروزه به ارزش و نمادی از زینت و زیبایی بدل شده است

روش پژوهش

پژوهش حاضر کیفی و توصیفی-تحلیلی است که با تمرکز بر روش مردم‌نگاری^۱ و با استفاده از رویکرد نشانه‌شناسی فرهنگی^۲ لوتمان با تأکید بر نظریه سپهر نشانه‌ای وی انجام شده است. راهکار پیش‌گرفته در این جستار، درک درست فضای نشانه‌شناختی خال کوبی‌های زنان بختیاری و واکاوی نشانه‌های کاربردی با توجه به نظریه لوتمان است. بخشی از یافته‌ها برای انجام پژوهش حاضر بر پایه تحقیقات میدانی است که پژوهشگر از نزدیک و به صورت مشارکتی و مشاهده مستقیم همراه با افراد مدنظر در تحقیق به گفت‌وگو نشسته است. در این پژوهش ثبت گفت‌وگوهای مصاحبه‌شوندگان به دو روش یادداشت‌برداری و دستگاه ضبط صوت صورت

^۱ Ethnography

^۲ Cultural Semiotics

گرفته و برای عکس‌برداری از نقوش خال‌کوبی از دوربین دیجیتال استفاده شده است. همچنین بخشی از اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای و منابع اینترنتی گردآوری شده است. در این مطالعه، از شیوه تحلیل یوری لوتمان در نشانه‌شناسی فرهنگی ساختارگرا با تأکید بر سپهر نشانه‌ای برای تحلیل نقوش خال‌کوبی زنان بختیاری استفاده شد. به اعتقاد لوتمان، ساختار اندیشه از ساختار متن جدا نیست و این دو همواره با یکدیگر مرتبط هستند و اطلاعات و پیچیدگی ساختار نیز همچنان به یکدیگر پیوند خورده‌اند (همان). خال‌کوبی نظامی متشکل از نشانه‌های گوناگون و تودرتویی است که می‌توان آن‌ها را در یکدیگر تعبیر کرد. با استناد به گفته لوتمان نمی‌توان خال‌کوبی زنان بختیاری را از اندیشه و باورهای آنان جدا دانست. همچنین مشاهده می‌کنیم که چگونه طبیعت و فرهنگ در تقابل با یکدیگر قرار می‌گیرند. در بررسی نقوش خال‌کوبی با توجه به تقابل فرهنگ و طبیعت، نشانه‌های نظام طبیعت که شامل عناصر طبیعت و نشانه‌های نظام فرهنگ که شامل آداب و رسوم زنان بختیاری، دغدغه و اندیشه‌های آنان در نحوه به‌کارگیری آنان از نقوش خال‌کوبی هستند، بررسی شد. این نقوش عناصری بصری هستند و از سویی لایه‌ای متنی محسوب می‌شوند که قابلیت تفسیر دارند. در پژوهش حاضر، تعمیم آماری نتایج حاصل به کل مردم خوزستان نیست و تنها مطالعه مفاهیم نقوش و شناخت طرح‌ها، سلیقه و گرایش زنان برخی از شهرهای بختیاری‌نشین خوزستان که عمل سنتی خال‌کوبی را انجام می‌دهند، مدنظر قرار گرفته است. جامعه آماری این پژوهش نقوش خال‌کوبی زنان برخی از شهرها و روستاهای بختیاری‌نشین ساکن خوزستان شامل اهواز، باغملک، ایذه، مسجدسلیمان، شوشتر، هفت‌گل و برخی روستاهای اطراف است که اطلاعات مفیدی درباره موضوع تحقیق به پژوهشگر ارائه کرده است. ۱۵۰ نفر از زنان بختیاری دارای خال‌کوبی سنتی در رده سنی ۴۰ تا ۹۰ سال شناسایی شده‌اند که بیشتر آن‌ها بی‌سواد بوده‌اند و تعداد معدودی نیز از آن‌ها تحصیلات ابتدایی داشته‌اند. بیشتر افراد جامعه آماری از قشر پایین جامعه بودند و تعداد انگشت‌شماری از آن‌ها که در حال حاضر از خانواده سطح متوسط هستند، زمان اقدام به عمل خال‌کوبی جزء افشار فقیر و کم‌درآمد بودند. افراد مورد مطالعه در این پژوهش عشایران کوچ‌نشین، روستاییان و شهرنشینان بوده‌اند. افراد بومی که در این پژوهش همکاری داشته‌اند، زنان و مردانی بودند که اطلاعاتی در این باره داشته‌اند؛ هر چند این عمل را انجام نداده بودند، ولی به دلیل اینکه یکی از اعضای خانواده یا نزدیکان آن‌ها دارای نقوش خال‌کوبی بودند، از این امر اطلاع داشتند. همچنین محقق را در جهت پیشبرد این پژوهش یاری رساندند و برای یافتن اشخاص مدنظر و دیدار و گفت‌وگو با آن‌ها، پژوهشگر را همراهی کردند. از جمله افرادی که از عمل خال‌کوبی و مناطق مختلف بختیاری‌نشین خوزستان و زبان و گویش آن‌ها آگاه بودند و اطلاعات ارزشمندی در اختیار محقق قرار دادند، عبارت‌اند از امیرخان عکاشه، همایون قاسمی و

علیرضا بیرانوند. پژوهشگر پس از مشاهده و مصاحبه و بررسی نتایج به این نتیجه رسید که پاسخ‌های افراد مطلع تا حدودی به یکدیگر شباهت دارد و مصاحبه و مشاهده مشارکتی بیشتر، تنها سبب دستیابی به یافته‌های تکراری می‌شود. در نتیجه در روش تحقیق کیفی، محقق بنا بر اصل اشباع نظری، ادامه مشاهده و مصاحبه را متوقف کرد. روش نمونه‌گیری به صورت تصادفی و غیرهدفمند بود. این نمونه‌ها براساس رعایت اصل شانس برابر برای زنان بختیاری دارای خال کوبی ساکن خوزستان انتخاب شدند. زمان انجام تحقیقات میدانی از اواسط اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۹۸ تا آذرماه همان سال بود.

بحث

در این پژوهش، ارتباط میان نقوش خال کوبی و ارتباط آن‌ها با بافت فرهنگی و اجتماعی ایل بررسی شد. وقتی به مطالعه فرایندهای فرهنگی همچون نقوش خال کوبی می‌پردازیم، با کنش‌هایی که برای زنان بختیاری به‌عنوان اعضای فرهنگی ایل بختیاری قلمداد می‌شوند، به‌منزله نشانه برخورد می‌کنیم و متعاقب آن به‌دنبال درک و تفسیر درستی از آن هستیم. فرهنگ را همواره می‌توان از دو جنبه بررسی کرد. یکی فرهنگ به‌عنوان نظامی جهانی و کلی و دیگری فرهنگ به‌منزله نظام‌های جزئی و بومی. اگر فرهنگ بختیاری را فرهنگ کلی در نظر بگیریم، خال کوبی و نقوش آن به‌عنوان نظام جزئی (نظام نشانه‌ها)، در نظر گرفته می‌شود که با توجه به آداب، سنن، باورها و عقاید آنان تفسیر می‌شود. نشانه‌ها نه به‌صورتی خاص، بلکه به اشکال گوناگونی تجلی می‌یابند. تنها راه دستیابی به فکر محوری، دریافت دلالت‌های ضمنی و پنهان نشانه‌های کاربردی است. رویکرد نشانه‌شناختی به نقوش خال کوبی نیازمند واکاوی سپهر نشانه‌ای آن‌ها خواهد بود که اغلب دارای پیام‌های فرهنگی، اجتماعی و غیره است. اصلی‌ترین منبع نشانگی در زمینه خال کوبی زنان بختیاری، رموز خاص و ویژه‌ای است که تنها با دریافت لایه‌های متنی رمزگشایی می‌شوند. برای دریافت مفهوم نقوش باید تمام سپهر نشانه‌ای که شامل نشانه‌های عام و خاص است، ارزیابی شود. بررسی نشانه‌شناختی نقوش خال کوبی نشان می‌دهد طبیعت (سپهر زیستی) و فرهنگ (سپهر نشانه‌ای) چگونه به‌طور پیوسته در زندگی انسان با هم ارتباط دارند. در سطح صریح خال کوبی میل انسان به زیبایی و آراستن خود در طول حیات، اما در فرهنگ خال کوبی بیانگر معناهای ضمنی است. در این پژوهش، نماد، شمایل و نمایه پیرس که از نظر قراردادی به‌ترتیب کاهشی هستند، در سپهر نشانه‌ای لوتمان و در فرهنگ ایل بختیاری بررسی و مرز میان نشانگی آن‌ها در حوزه طبیعت و فرهنگ شناسایی شد؛ بدین‌منظور خال کوبی و کاربردهای آن از جنبه‌های مختلفی مانند خاصیت جادویی، جنبه زیبایی، درمان و تأثیر آن در بارداری بررسی شد.

خال کوبی و خاصیت جادویی آن

زنان بختیاری از دیرباز نقوشی چون ماه، ستاره و خورشید را بر بدن خود خال کوبی می‌کرده‌اند که برای آن‌ها مقدس به‌شمار می‌رفت. این اجرام آسمانی نماد روشنی هستند. زنان برای اینکه تحت تأثیر و حمایت ابژه‌های مقدس قرار بگیرند، این نقوش را بر بدن خود حک می‌کردند. گاهی نیز افراد به‌منظور جلوگیری از چشم‌زخم از این نقوش استفاده می‌کردند که همه آن‌ها دلالت بر خوش‌اقبالی دارد، که در شکل‌های ۲، ۳ و ۴ این نقوش قابل‌مشاهده است. علیرضا بیرانوند محقق و تاریخدان بیان می‌کند گاهی فرد خال کوب که اطلاعاتی درباره علوم غریبه دارد، با توجه به حروفی که اسم مادر دارد و تبدیل آن به اعداد نقش طلسم را متناسب با خواسته و دغدغه مادر ترسیم می‌کند. وجود طلسم‌ها نشانه‌ای نمایه‌ای مبتنی بر سختی زندگی و دغدغه بسیار زنان است. در شکل ۲، روی دست مادر نقش خورشیدی را مشاهده می‌کنیم که مظهر پاکی و نور است و سیزده پرتو دارد که می‌تواند اشاره به اعضای خانواده وی باشد. درون نقش خورشید در مرکز آن، لکه‌ای تیره وجود دارد که به مشکلات مادر اشاره دارد و در اطراف خورشید می‌توان نقوش ستاره‌مانندی را مشاهده کرد که مادر خواهان آن است که در حمایت اجرام آسمانی، تاریکی‌ها و گرفتاری‌ها از کانون گرم خانواده دور شود. بیرانوند درباره شکل ۳ اضافه می‌کند که نقش طلسم‌مانندی روی پای مادر حک شده است که همچون نقش خورشید است و ۹ پرتو دارد که به ۹ فرزند مادر اشاره می‌کند. وی با ایجاد این نقش، خواهان دور کردن گزنده‌ها و تاریکی‌ها از فرزندان خود است. در تحلیل نشانه‌شناسی متن، آنچه بنیادی است، دلالت و معنای صریح و دلالت و معنای ضمنی است. در دلالت مستقیم معنای آشکار و معین برای نشانه در نظر گرفته می‌شود؛ درحالی‌که در دلالت ضمنی که وابسته به مفسر است، به ایدئولوژی، معنای فرهنگی و شخصی نشانه ارجاع داده می‌شود (چندلر، ۱۳۸۶: ۱۴۱)؛ بنابراین برای پی‌بردن به معنای ضمنی نقوش خال کوبی باید به‌دنبال دغدغه، عقاید و باور زنان باشیم.



شکل ۲. نقش خورشید بر دستان زنی از روستای حسام آباد

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۸



شکل ۳. نقش خورشید بر پای زنی از دشت سوسن

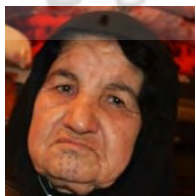
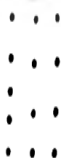
منبع: نگارندگان، ۱۳۹۸



شکل ۴. نقش ماه و ستاره بر دستان زنی از روستای آرپناه

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۸

آنان نقش پرویز را که بختیاری‌ها به آن پاوریز می‌گویند و نشانگر قدرت و همچنین مجموع ستارگان راهنماست، بر بدن خالکوبی می‌کردند (شکل ۵). گاهی ما بر روی بدن زنان بختیاری، تعدادی نقوش دایره‌ای را مشاهده می‌کنیم که به ستارگان هفت توروک و ستارگان چارچوب اشاره دارند. هفت توروک نشانه هفت ستاره‌ای است که در آسمان شب ساکن هستند. بختیاری‌ها بر این اعتقادند که این هفت ستاره که با چشم غیرمسلح در آسمان شب رؤیت می‌شوند، به دنبال تک‌ستاره قطب هستند و معتقدند هنگامی که این هفت توروک (هفت ستاره) به ستاره قطب برسند، آخرالزمان خواهد شد. همچنین روی میج دست خود درست زیر نبض نقش ستاره‌ای را خالکوبی می‌کردند که برای دوری از چشم‌زخم بود (شکل ۶).



شکل ۵. نقش پاوریز بر چانه زنی از روستای شیلیلی

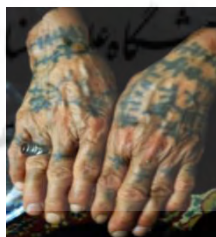
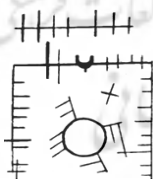
منبع: نگارندگان، ۱۳۹۸



شکل ۶. نقش ستاره بر مچ زنی از اهواز

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۸

بیرانوند اظهار می‌دارد برخی زنان نقوش قلعه ماندنی را به‌عنوان بازنمون روی بدن خود خال‌کوبی می‌کردند که در باور آنان نشانی برای محافظت از خانواده و فرزندان در برابر نیروهای سهمگین ماورایی است (شکل ۷). با مطالعه نقوش خال‌کوبی و مفاهیم آن تقابل‌های دوگانه فرهنگ و طبیعت روشن می‌شود که دو قطب اصلی این نقش مایه‌ها را تشکیل می‌دهد. فرهنگ در مقابل طبیعت بی‌معنا قرار می‌گیرد. گویا این دو واژه رقیب و مقابل یکدیگر هستند. می‌توانیم فرهنگ را مجموعه افزوده‌های بشری در مقابل طبیعت بدانیم و هنگام مطالعه مصادیق فرهنگ انسانی آگاه باشیم که بنیاد طبیعی دارند (واکر، ۱۳۸۵: ۲۶). در نقوش خال‌کوبی زنان بختیاری، با نقوشی مواجه می‌شویم که از طبیعت پیرامون گرفته شدند و برخی از نقوش که برای آن‌ها در طبیعت معادلی وجود ندارد، ریشه در باور آنان دارد که متأثر از فرهنگ بختیاری است که به‌مرور زمان به‌عنوان هنجار درون‌گروهی پذیرفته شده است. حال ممکن است این سؤال پیش بیاید که آیا این عمل برای همه زنان ایل بختیاری قابل‌تعمیم است و آیا تمامی نقوش گردآوری شده برای افراد ایل بختیاری قابل‌تشخیص است؟ قطعاً پاسخ این دو سؤال منفی است؛ زیرا نمی‌توان نتایج آن را به کل زنان ایل تعمیم داد؛ زیرا این عمل در میان ایل، رفته‌رفته کمرنگ شده و در مقایسه با گذشته افراد بسیار کمتری به این عمل مبادرت می‌ورزند و به همین نسبت شناخت دیگر اعضای ایل از این عمل بسیار اندک است.



شکل ۷. نقش قلعه بر دستان زنی از روستای صوفان علیا

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۸

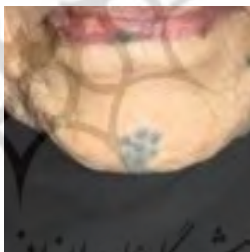
همایون قاسمی شاعر و محقق بختیاری بیان می‌کند، بختیاری‌ها گاهی برای آنکه غربتی‌ها کودکانشان را نزدند، برای محافظت از آن‌ها در برابر این‌گونه افراد روی بدنشان نقشی را خال‌کوبی می‌کردند که جنبه نشانه‌گذاری، دعایی و جادویی داشت تا کودک از دزدیده‌شدن در

امان باشد. در شکل ۸، شاهد نقش طلسم نیزه سه شاخ بر پیشانی زن بختیاری هستیم که برای راندن موجودات خبیث و آل آن نقش را به کار می‌برد. نقوش طلسم و آل باوری می‌تواند ساختاری باشد که القاگر تقابلی معنایی میان آشکار در برابر پنهان و مادی و زمینی در برابر معنویت است. آل و موجودات ماورایی تنها عناصر فراطبیعی و فرهنگی هستند. قاسمی افزود، گاهی دختران جوان و دم‌بخت، برای خوش‌اقبالی و بخت‌گشایی طلسم‌هایی مانند ستارگان ظلّه روز را بر بدنشان نقش می‌کردند که شباهت‌هایی به نقوش مهرهای مفرغی جیرفت دارد (شکل‌های ۹ و ۱۰).



شکل ۸. نقش نیزه سه‌شاخ بر پیشانی زنی از باغملک

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۸



شکل ۹. نقش ستاره ظلّه روز بر چانه زنی از اهواز

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۸



شکل ۱۰. گل نیلوفر بر مهرهای جیرفت

منبع: طاهری ۱۳۹۶

زنانی که روی بازوها و قسمت داخلی ساعدشان خال می‌زدند، این عمل را برای بهبود روابط عاطفی‌شان و ابراز علاقه به معشوقشان انجام می‌دادند. زنان بختیاری معمولاً اسم عزیزان خود را روی ساعد دست راستشان با سوزن می‌کوبیدند (شکل ۱۰). گویی دال خال کوبی اسامی در رابطه قراردادی با مدلول دوستی و دوست داشتن پیوند خورده است. در فرهنگ ایل بختیاری و در محوریت سپهر نشانه‌ای، هریک از نقوش بار معنایی ویژه دارد و به شکل مشخصی نمود می‌یابد.

علی



شکل ۱۱. نقش خال کوبی بر دستان زنی از روستای آرپناه

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۸

امیر خان عکاشه، فعال فرهنگی ایل بختیاری معتقد است که گاهی مردان و زنان بختیاری برای دوربودن از گزند و درامان ماندن از بلایا نقشی را روی ساق پای خود خال کوبی می‌کردند که برای آن‌ها حکم دعای محافظ داشت (شکل ۱۲). در شکل ۱۲، مجموعه‌ای از شش شکل متفاوت داریم که نقش انسانی از میان سایر نقوش قابل تشخیص است. مشابه این نقوش را می‌توان در دست‌بافته‌های بختیاری مشاهده کرد. در این مجموعه، تصویر انسان بالاتر از سایر نقوش ترسیم شده است که دست‌های خود را به نشان کمک‌خواهی بالا برده است تا در برابر نیروهای سهمگین در سایه این نقوش طلسم‌مانند محافظت شود.



شکل ۱۲. نقش طلسم محافظ بر پاهای زنی از شهرک اندیشه

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۸

زنان ایل بختیاری در برخی مواقع، نقشی شبیه به چوقا را (لباس محلی مردان بختیاری) برای بخت‌گشایی و داشتن بخت بلند به کار می‌بردند که اشاره به نقش چغازنبیل دارد. در این شکل،

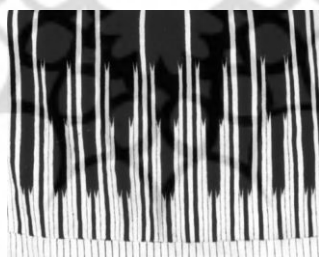
نقش پلکانی چوقا به همراه چهار ستاره که نماد خوش‌یمنی هستند، ترسیم شده است. خط میانی نشان از نیروهای خیر است که به‌سوی بالا و اهورامزدا در حرکت هستند (شکل ۱۳).



شکل ۱۳. نقش مشابه خطوط چوقا بر چانه زنی از اهواز

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۸

در چوقا خط‌های سفید به سمت بالا هستند و در علم نشانه‌شناسی، نماد اوج آگاهی محسوب می‌شوند. در کنار خط‌های پلکانی سفید، شکلی قرینه و سیاه به سمت زمین در حال حرکت است که نمادی از سیاهی است و زمینی بودن را نشان می‌دهد این صحنه را می‌توان صحنه مبارزه میان نیکی و بدی، سفیدی و سیاهی در فرهنگ ایران باستان دانست، (تصویر ۱۳)، (مددی، ۱۳۸۶: ۹۴-۹۴).



شکل ۱۴. چوقا لباس مردان بختیاری

منبع: دادور و مؤذن، ۱۳۸۸

عکاشه بیان می‌دارد که برخی مواقع زنان نقش بز کوهی را روی دستان خود، به‌ویژه قسمت داخلی ساعد با خال نقش می‌زدند. بز کوهی میان مردمان ایل به‌دلیل چابکی و فراوانی آن در کوه‌های زاگرس از جایگاه بالایی برخوردار است. زنان برای دفع نیروهای اهریمن نقش مایه حیوانی را بر بدن خال‌کوبی می‌کردند. همچنین این نقش بیانگر شکارچی بودن همسر آن فرد نیز محسوب می‌شود (شکل ۱۵). در اساطیر ایرانی می‌توان رابطه نمادین میان زن، باروری، ماه، باران و بز کوهی قائل شد. هر قوم باستانی بز کوهی را مظهر یکی از عوامل طبیعی سودبخشی می‌دانست؛ برای مثال در لرستان بز حیوان خورشید و گاهی مظهري از فرشته باران بود

(غلامعلی، ۱۳۷۴). برخی معتقدند در شاخ آن قدرت جادویی نهفته است. نقوش حیوانات را می‌توان بیانگر نیروهای متعالی دانست؛ با این تفسیر که در باورهای ذهنی مردمان بومی نقوش حیوانات دارای معانی متنوعی است که در مجموع کارکرد فرهنگی نقوش خال‌کوبی را تأمین می‌کنند. این اندیشه‌ها در کنار اشکال و صورت‌های متعدد خال‌کوبی، ریشه در متن زندگی اجتماعی و واقعیت‌های جمعی دارند. فرد خال‌کوب برای به‌تصویر کشیدن ایده فرد مراجعه‌کننده از رمزگان نقوش بهره‌مند می‌شود. هرکدام از این نقوش در نظام فرهنگی خود بیانگر موضوعاتی چون حاصل‌خیزی، امنیت، مهرورزی و غیره هستند. به این نقوش به دلیل ماهیت دلالتی، ارزش نشانه‌ای خاصی بخشیده می‌شود.



شکل ۱۵. نقش بز کوهی بر دستان زنی از مسجد سلیمان

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۸

جدول ۱. نقوش خال‌کوبی و خاصیت جادویی آن

شماره	نقش خال‌کوبی	طرح خطی	وجه نشانگی	محتوای نشانگی
۱			نماد	این نقش که به گفته افراد محلی نوعی طلسم محسوب می‌شود، برای محافظت از بلا یا به‌کار می‌رفت.
۲			نماد/شماپیل	این نقش گرد به همراه خطوط اطراف به خورشید تابان اشاره دارد. خورشید بیانگر مادر است و پرتوهای آن اشاره به ۹ فرزند مادر دارد و مادر برای محافظت از کانون خانواده‌اش در برابر خطرات و تاریکی‌ها این نقش را بر بدنش حک می‌کند.
۳		علی	نمایه	زنان بختیاری معمولاً اسم عزیزان خود را روی ساعد دست راستشان با سوزن می‌کوبیدند. آن‌ها این عمل را برای بهبود روابط عاطفی‌شان انجام می‌دادند.

ادامه جدول ۱. نقوش خال کوبی و خاصیت جادویی آن

شماره	نقش خال کوبی	طرح خطی	وجه نشانگی	محتوای نشانگی
۴			شمایل	برای دوری از آل و موجودات خبیث، خورشید به همراه پرتوهایش ترسیم شده است که مظهر پاکی و نور است. این نقش برای محافظت مادر و فرزندانش در برابر آل و تاریکی‌ها به کار می‌رود.
۵			شمایل	گاهی افراد برای چشم‌زخم و خوش‌اقبالی و همچنین برای آنکه تحت حمایت منظومه شمسی قرار بگیرند، چیزی شبیه به ماه و ستاره روی بدن خود حک می‌کردند.
۶			نماد	این نقش گویای طلسمی است که همچون حصار ترسیم شده و مادر برای محافظت از خانواده و فرزندانش این نقش را روی بدن حک کرده است.
۷			شمایل	کل یا بز کوهی: گاهی زنان برای دفع نیروهای اهریمن نقش‌مایه حیوانی را روی بدن خال کوبی می‌کردند. همچنین این نقش بیانگر شکارچی بودن همسر آن فرد نیز است.
۹			نماد/شمایل	این نقش برای بخت‌گشایی و داشتن بخت بلند به کار می‌رود که اشاره به نقش چغازنبیل دارد. خط میانی نشان از نیروهای خیر است که به سوی بالا و اهورامزدا در حرکت هستند.
۱۰			نماد	نیزه سه‌شاخ نقش‌مایه‌ای است که به نیروهای ماورایی اشاره دارد و برای مقابله با آل این موجود اهریمن به صورت خال کوبی نقش می‌شود.
۱۱			شمایل	پاوریز یا پرویز ستارگانی هستند که نشانه قدرت و مجموع ستارگان راهنما به شمار می‌آیند و برای خوش‌اقبالی ترسیم شده‌اند.

خال کوبی، زیبایی و زینت

فعالیت‌های انسانی به خلق گونه‌هایی منجر می‌شود که می‌تواند به آن ارزش زیبایی‌شناختی ببخشد. اشکال جالب‌توجهی مانند حرکات موزون بدن و طنین ملایم صدا را می‌توان نوعی تولید هنری دانست. برای تمامی این فعالیت‌ها می‌توان ارزش زیباشناختی قائل شد (بوآس، ۱۳۹۱: ۵۴). انسان بدوی در طول زندگی خود آفرینش هنری‌اش را به شیوه‌های مختلفی نشان داده است؛ همچون بر روی دیوار غارها یا ساختن صورتک و مجسمه که آن‌ها را به‌عنوان جادو و توت‌م می‌دانست و همچنین با حلقه‌کردن گل، برگ و ساقه درختان برای خود زیورآلات می‌ساخت و نقاشی‌کردن روی پوست که براین‌اساس می‌توان گفت خال‌کوبی مبنا و پایه زیورآلات است. قدمت لوازم آرایش بشر را می‌توان از طریق انسان دوره پارینه‌سنگی ثابت کرد که بدن خود را با رنگ و خال‌کوبی می‌آراست یا می‌خراشید (غیبی، ۱۳۹۱: ۱۸). گاهی خال‌کوبی جنبه تزئینی داشت و زنان بختیاری برای آراستن خود نقوشی را بر اندام خود منتقل می‌کردند. بیرانوند بیان می‌کند، برخی خانم‌ها که به‌دلیل بالارفتن سنشان موهای ابروهایشان دچار ریزش می‌شد، برای پرکردن ابروهای خود خال‌کوبی می‌کردند تا ظاهر زیباتری داشته باشند (شکل ۱۶). برخی دختران جوان روی مچ دستانشان نقشی همچون دستبند را با اشکالی چون درختان سبز، گل و گیاه خال‌کوبی می‌کردند؛ به این معنا که جوان و شاداب هستند. تصویر گیاهان نشانه‌ای نمادین از سرسبزی است که خود می‌تواند نشانه نمایه‌ای دال بر آبادانی، حیات، رویش و قدرت باروری دختران باشد (شکل ۱۷). بیشتر زنان بختیاری تنها برای زیبایی میان ابروان خود خالی را نقش می‌زدند (شکل ۱۸).



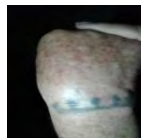
شکل ۱۶. نقش خال‌کوبی بر ابروهای زنی از شوشتر

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۸



شکل ۱۷. نقش درخت بر دستان زنی از اهواز

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۸





شکل ۱۸. خال وسط پیشانی زنی از باغملک
منبع: نگارندگان، ۱۳۹۸

روی دست زن بختیاری شاهد نقوش انسانی در حال رقص هستیم که مانند دستبند ترسیم شده‌اند (شکل ۱۹). این نقوش انسانی دست در دست یکدیگر و دوش به دوش هم در حال پایکوبی هستند که هر یک در حال انجام عمل متفاوتی ترسیم شده است. فرد خال کوب به خوبی و با مهارت بسیاری این نقش دستبند را با کشیدن چند خط ساده برای شخص مورد نظر خال کوبی کرده است تا در تمام مراحل زندگی‌اش شاد، خرسند و در جشن و سرور باشد. این نقش شباهت بسیاری به نقوش کهن انسانی دارد (شکل ۲۰).



شکل ۱۹. نقوش انسانی در حال رقص بر دستان زنی از اهواز
منبع: نگارندگان، ۱۳۹۸



شکل ۲۰. نقوش انسانی بر سفالینه‌های تپه سیلک
منبع: نگارندگان، ۱۳۹۸

قاسمی عنوان می‌کند، زنان بختیاری که در حرفه و صنعتی تبحر داشتند، نمادی از حرفه خود را بر مچ دستشان یا قسمتی از بدن که در معرض دید عموم قرار داشت نقش می‌زدند؛ برای مثال زنان بافنده، نماد بافندگی را که دوک نخ‌ریسی بود، بر بدن خود خال کوبی می‌کردند

و این نقش معرف رزومه آن‌ها بود (شکل ۲۱). نقش دوک شباهت‌هایی به نقش چلیپا دارد. چلیپا از نقوش پرتکراری است که زنان بختیاری روی بدن، به‌ویژه روی دستان خود به‌کار می‌برند. به‌گفته‌ی بیرانوند برخی این نقش را نقش طلسم نیز می‌دانند که با طرح چهار صلیب در اطرافش ترسیم شده است که می‌تواند به این اشاره داشته باشد که فرد می‌خواهد با توسل به این طلسم در تمام چهار فصل سال از گزندها و آشوب در امان باشد (شکل ۲۲).



شکل ۲۱. دوک و پره به همراه نقش خال کوبی بر دستان زنی از روستای آرپناه

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۸



شکل ۲۲. نقش چلیپا بر دستان زنی از دشت سوسن

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۸

چلیپا را می‌توان نمادی از چرخه‌ی خورشید یا گردونه‌ی مهر دانست که منشأ آن را فرهنگ و آیین میتراییسم می‌دانند که بیانگر آیینی در فرهنگ آریایی است. چلیپا در فرهنگ بختیاری کاربردهای متنوعی دارد؛ برای مثال در خال کوبی زنان، طرح‌های قالی و برخی اشیاء مانند دوک نخ‌ریسی، قیچی، چاقو و برای تزئین آش و حلوا این نماد پر رمز و راز به‌کار می‌رود. همچنین این علامت را برای شناخت مهری‌شدگان به شکل خال کوبی بر بدن می‌زدند و به آن مهره‌ی مهر یا خال مسیحا می‌گفتند (مددی، ۱۳۸۶: ۴۰). عکاشه بیان می‌کند که گاهی در بدو تولد یا در سنین کودکی برای دخترانی که دچار نقص مادرزادی، از قبیل لکه‌های ماه‌گرفتگی بودند، خال کوبی می‌کردند تا آن نقص را بپوشانند. گاهی نیز خال کوبی برای نشان نامزدی استفاده می‌شد، مادر داماد به نشانه‌ی نامزدکردن دختری برای پسرش شکل انگشتر یا نگین یا حتی نقش دستبند را روی انگشتان دست یا میخ دختر خال کوبی می‌کرد. در نظام فرهنگی و اجتماعی ایل بختیاری استفاده از نقوش دستبند، ساعت، پابند و غیره علاوه‌بر زیبایی، بازنمون زیورآلات دختران و زنان بختیاری است که توان خرید این زیورآلات را به‌طور حقیقی ندارند و به همین

دلیل آن را بر متن بدنشان نقش می‌کنند (شکل ۲۳). در این تصویر نقوش گیاهی به همراه نقوش انسانی ترسیم شده است که نقوش انسانی به صورت نیم‌تنه با دستانی به سوی بالا به زیبایی حک شده است، گویی در حال دعا و نیایش برای صاحب خال هستند تا وی همواره از ناملایمات زندگی محفوظ بماند.



شکل ۲۳. نقش دستبند بر دستان زنی از باغملک

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۸

ما در بین خال‌کوبی زنان بختیاری به اشکالی دایره‌مانند برمی‌خوریم که به اعتقاد افراد محلی شباهت به نقش ساعت دارد (شکل ۲۴). قاسمی بیان می‌کند وقتی زن بختیاری از همسرش هدیه‌ای مانند ساعت و زیورآلات دریافت می‌کرد، برای آنکه خاطرات خوش این هدیه تا سال‌ها همراه آن‌ها باشد، آن را بر مچ دستشان با خال می‌کوبیدند (شکل ۲۵).



شکل ۲۴. نقش ساعت بر دستان زنی از اهواز

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۸



شکل ۲۵. نقش پابند بر مچ پای زنی از شهرک اندیشه

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۸

خال دایره‌ای‌شکلی (●) که در قسمت زرخدان (فرورفتگی داخل چانه) کوبیده می‌شد، برای زیبایی به کار می‌رفت. به این خال کچه (Kache) می‌گفتند و این نقش اصیل بختیاری به‌شمار می‌رود (شکل ۲۶).



شکل ۲۶. خال کچه بر چانه زنی از ایذه
منبع: نگارندگان، ۱۳۹۸

جدول ۲. جدول نقوش خال کوبی زیبایی و زینت

شماره	نقش خال کوبی	طرح خطی	وجه نشانگی	محتوای نشانگی
۱			شماایل	به دلیل ریزش موهای ابروها، برای پرنشان دادن آن‌ها داشتن ظاهری زیباتر روی آن‌ها خال کوبی می‌کردند.
۲			نماد	خال وسط پیشانی زنان بختیاری که گاهی تنها برای زیبایی به کار می‌رفت.
۳			نماد	این نقش نشان درخت سپیدار است که سرسبزی را نشان می‌دهد و با نقوش انسانی تصویر شده است.
۴			شماایل	دار (درخت) به‌صورت دستبند و پابند ترسیم می‌شود که نماد سرسبزی و فراوانی و طراوت زندگی است.
۵			نمایه/شماایل	ساعت نشانه‌ای از یادگاری است که فردی عزیز به وی ارزانی داشته است و برای اینکه یاد و خاطره آن تا همیشه با شخص بماند، بر متن اندام نقش می‌شده است.

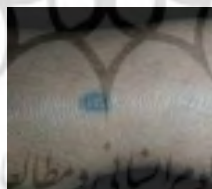
ادامه جدول ۲. جدول نقوش خال کوبی زیبایی و زینت

شماره	نقش خال کوبی	طرح خطی	وجه نشانگی	محتوای نشانگی
۶			شمایل	نقوش انسانی در حال رقص و پایکوبی به صورت دستبند ترسیم شده‌اند.
۷			شمایل	نقش کاج مظهر سرسبزی و زیبایی است؛ زیرا این درخت در چهار فصل سال سبز است و اشاره به امید دارد.
۸			شمایل	دیک و پره دوک نخ‌ریسی در اینجا همراه با نخ‌های اطرافش ترسیم شده که معرف شغل فرد هم است.
۹			شمایل	معمولاً زنان بافنده نقش دیک و پره را به کار می‌بردند. دیک و پره (دوک نخ‌ریسی) نشان بافندگی و زحمت و تلاش فرد است.
۱۰			نماد	نقشی است که برای وریس و شیردنگ به کار می‌رود و آن نقوش دایره اشاره به حاشیه این بافته‌ها دارد. این نقش نیز بیانگر شغل بافندگی است.

خال کوبی و جنبه درمانی

براساس آیین و سنت پیشینیان و نظام عقیدتی اقوام، بیمار قربانی مجازات است. گاه بیماری در اثر مواجهه با قدرت مافوق طبیعی مانند اراده خداوند یا یک قدرت غیرانسانی مانند روح خبیث و شیطان یا توسط یک انسان جادوگر و ساحر به وجود می‌آید. بختیاری‌ها وقتی متوجه نیروهای مافوق طبیعی بودند که دستشان از راه‌های درمانی کوتاه بود. آن‌ها به تأثیر ستارگان در اعمال و رفتار و حتی بیماری‌ها معتقد بودند. درمان سنتی با شناخت گیاهان دارویی، اعمال روانی، تلقینی و اعمال درمانگری امکان‌پذیر است (داوودی، ۱۳۹۳: ۶۹۳). بیرانوند عنوان می‌کند افرادی که بیماری فشار داشتند و فشار آن‌ها بالا یا پایین می‌شد، عمل خال کوبی را انجام می‌دادند. برای این کار روی میج دست، درست در قسمتی پایین‌تر از محل نبض خال کوبی

می‌کردند. نبض تحت تأثیر رنگ گیاهی قرار می‌گرفت و سبب تنظیم فشار بدن می‌شد. گاهی افراد روی قسمت داخلی مچ دستشان نقش خالی را می‌کوبیدند و معتقد بودند خون کثیف از بدنشان خارج و موجب رقیق‌شدن خون می‌شود (شکل ۲۷). خانم‌هایی که عادت ماهیانه نمی‌شدند، برای بهبودی، روی کمرشان حجامت می‌کردند یا روی قسمت داخلی مچ دست خود نقشی را خال می‌زدند. در مواقعی که خال کوبی جنبه درمانی داشت، روی زخم حاصل از آن نمک می‌زدند تا عفونت نکند و به قول آن‌ها ضدعفونی شود. در این صورت، نقشی که به‌جا می‌ماند، فقط زخم و خراش حاصل از سوزن بود. گاهی اثر به‌جامانده از خال کوبی که برای درمان انجام می‌شد، شکل خاصی نداشت (شکل ۲۸). در برخی مواقع برای آنکه اثر زخم روی بدن دیده نشود، روی زخم طرح خاصی را خال کوبی می‌کردند که در این صورت علاوه بر جنبه درمانی، جنبه زیبایی نیز داشت (شکل ۲۹). در مواقعی که فرد دچار بیماری می‌شد و از آنجا که به اعتقاد بختیاری‌ها باد موجب بیماری می‌شود، برای خارج کردن «باد» روی بدن فرد بیمار خال کوبی می‌کردند. بختیاری‌ها از قدیم، تسخیرشدن بدن را با ارواح بد و خبیث «باد» عامل بیماری‌های خود می‌دانستند. خال کوبی و کشیدن نقش روی محل درد برای دور کردن ارواح بد انجام می‌شد؛ به همین دلیل در باور آن‌ها خال کوبی سبب بیرون‌راندن باد از بدن و بهبود فرد بیمار می‌شد. فضای حاکم بر سپهر نشانه‌ای این نقوش، بازنمون نیروهای خبیث و بادهایی است که به اعتقاد بختیاری‌ها منجر به بیماری می‌شوند. فرد بومی می‌خواهد با متوسل شدن به خال کوبی دردها و بیماری‌های خود را درمان کند.



شکل ۲۷. خال کوبی روی مچ دست زنی از رامهرمز برای تنظیم فشار

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۸



شکل ۲۸. خال کوبی روی زانوی زنی از اهواز برای درمان زانودرد

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۸



شکل ۲۹. خال کوبی روی میچ پای زنی از اهواز برای درمان پادرد

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۸

از دیگر موارد درمان می‌توان به خال کنار چشم اشاره کرد. معمولاً افرادی که سنشان بالا بود و بینایی‌شان کم می‌شد، برای افزایش سوی چشم‌ها این کار را انجام می‌دادند (شکل ۳۰).



شکل ۳۰. خال کوبی کنار چشم زنی از روستای حسام آباد برای افزایش سوی چشم‌ها

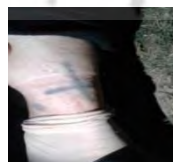
منبع: نگارندگان، ۱۳۹۸

بختیاری‌ها خال وسط پیشانی را علاوه بر زیبایی برای درمان سردرد نیز به کار می‌بردند. اگر شخصی مریض می‌شد برای درمان او را «خال باد» می‌کوبیدند؛ یعنی محل درد را خال کوبی می‌کردند؛ برای مثال اگر کسی دچار چشم‌درد بود، بین دو چشم، یعنی وسط ابروانش را خال می‌زدند (شکل ۳۱). همچنین خال کوبی را برای درمان رماتیسم، ورم بدن، درد پا و گاهی برای درمان ترک لب نیز به کار می‌بردند (شکل ۳۲).



شکل ۳۱. خال کوبی وسط پیشانی برای درمان سردرد بر چهره زنی از باغملک

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۸



شکل ۳۲. خال کوبی روی پاهای زنی از اهواز برای درمان رماتیسم و خارج کردن باد

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۸

جدول ۳. خال کوبی و جنبه درمانی آن

شماره	نقش خال کوبی	طرح خطی	وجه نشانگی	محتوای نشانگی
۱		+	نمایه شمایل	برای درمان پادرد و خارج کردن باد از بدن این نقش روی مچ پا حک شده است.
۲			نمایه/نماد	برای درمان سردرد این نقش (نیزه سه شاخه)، میان ابروها خال کوبی شده است.
۳		•	نمایه/شمایل	برای تنظیم فشار این نقش روی مچ دست زده شده است.
۴			نمایه	برای درمان رماتیسم و خارج کردن باد از بدن این نقش به جامانده از ضربات سوزن است.
۵		+	نمایه/شمایل	برای درمان پادرد و بهبود آن این نقش به صورت چلیپا روی پا به همراه ستاره نقش بسته است.
۶			نمایه	برای درمان زانودرد این نقش روی زانو با سوزن زده شده است.
۷			نمایه	برای افزایش سوی چشم‌ها، کناره چشم‌ها را خال کوبی می‌کردند.
۸			نمایه/شمایل	برای درمان درد مفاصل خال کوبی به صورت چلیپا انجام شده است.

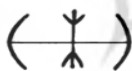
خال کوبی، باروری و زایمان

گاهی بحث اعتقادی در میان بوده است و افراد سمنبل‌ها و نمادهایی را ترسیم می‌کردند و به‌عنوان خال بر بدنشان نقش می‌زدند که علاوه بر درمان، جنبه اعتقادی و خرافی نیز داشته است. همچنین افزون بر جنبه اعتقادی می‌توان به جنبه روان‌درمانی آن‌ها اشاره کرد. علاوه بر آنکه جسم و فیزیک را درمان می‌کردند، سبب درمان روح و روان افراد نیز می‌شدند. گاهی شکلی را که روی بدن می‌زدند، خاصیت پیشگیری از امراض و دوری از بلا یا را داشت. به گفته بومیان منطقه، گاهی یک نقش را برای پیشگیری از خطرات احتمالی به کار می‌بردند و اگر شکلی بر بدن حک می‌شد، دیگر برای فرد اتفاقات ناگوار نمی‌افتاد. آن‌ها اعتقاد دارند گاهی ترسیم نقشی بر بدن زن باردار این باور را به آن‌ها می‌داد که نوزادشان سالم متولد خواهد شد و مشکلی برای جنین به‌وجود نخواهد آمد. در برخی مواقع که نوزادی مرده متولد می‌شد، یا اینکه

زنی بارها سقط جنین می‌شد و زنی هنگام زایمان از دنیا می‌رفت، می‌گفتند آل یا دال، مادر و نوزادش را با خودش برده و موجب فوت آن‌ها شده است. برای مثال بر بخشی از بدن زن زائو مانند شکم، مچ و روی ران‌ها اشکالی را خال‌کوبی می‌کردند و به آن‌ها می‌گفتند با انجام این عمل دیگر اتفاقات ناخوشایند برای شما و نوزادتان نخواهد افتاد (شکل ۳۳). در این تصویر شکل لوزی‌مانندی مشاهده می‌شود که درون آن نقطه‌ای تیره قرار دارد. این شکل مانند موجودی تک‌چشمی است که سوار بر نیروهای نیزه‌مانندی قرار دارد تا بتواند با ایستادگی هرچه تمام‌تر در برابر نیروهای سهمگین مقاومت کند و آنان را از خود دفع نماید، اما درواقع منشأ این اتفاقات می‌توانست ناشی از دلایل روحی و روانی از قبیل اضطراب، فشار روحی و ترس از زایمان به‌ویژه برای زنانی باشد که تجربه ناموفق و تلخ سقط جنین داشته‌اند؛ به همین دلیل نقوشی را بر بدن زن باردار می‌کشیدند و به آن‌ها اطمینان می‌دادند که دیگر بچه آن‌ها را دال یا آل یا بچه‌برک نخواهد برد. بیشتر این نقوش را می‌توان در دست‌بافته‌های ایل مشاهده کرد (شکل‌های ۳۴، ۳۵، ۳۶).



شکل ۳۳. نقش دستبند برای راندن آل بر دست زنی از شوشتر
منبع: نگارندگان، ۱۳۹۸



شکل ۳۴. نقش نیزه سه‌شاخ برای راندن آل بر دستان زنی از قلعه تل
منبع: نگارندگان، ۱۳۹۸

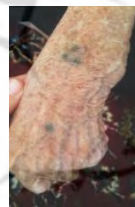


شکل ۳۵. نقش طلسم برای راندن آل بر پاهای زنی از شهرک اندیشه
منبع: نگارندگان، ۱۳۹۸



شکل ۳۶. نقش تختۀ تلاش برای راندن آل و موجودات خبیث، بر پاهای زنی از شهرک اندیشه
منبع: نگارندگان، ۱۳۹۸

گاهی نقش ماه و ستاره را زنان باردار یا زنانی که قصد بارداری داشتند بر روی مچ دست چپ می‌زدند تا بچه‌برک یا آل به آن‌ها و نوزادشان آسیبی نرساند؛ زیرا معتقد بودند دست چپ به قلب نزدیک و تأثیر آن بیشتر است و گاهی برای تنظیم فشار زن باردار نیز این کار را انجام می‌دادند. شکل ۳۷، که برای راندن آل به کار می‌رفت، اشاره به مثلث قدرت دارد که به همراه تک‌ستاره ترسیم شده است؛ به این معنا که خوش‌اقبالی همراه مادر و نوزادش باشد. در واقع آل نیروی شری است که باید آن را دور کرد تا به زن زائو و نوزادش آسیبی نرساند. در اینجا نیروی شر را به‌طور کلی به‌عنوان مدلول در نظر می‌گیریم. در زمان وقوع خورشیدگرفتگی یا ماه‌گرفتگی برای درمان ماندن زن باردار از این پدیده روی دست زن حامله خالی را می‌زدند تا نوزادش در امان باشد؛ زیرا در باور بختیاری‌ها خورشیدگرفتگی و ماه‌گرفتگی به این دلیل اتفاق می‌افتد که هیولا یا موجودی عجیب‌الخلقه در تلاش است خورشید یا ماه را بخورد (مددی، ۱۳۸۶: ۴۷).



شکل ۳۷. نقش ستاره بر مچ زنی از لالی برای دفع آل
(مأخذ: نگارنده ۱۳۹۸)

زمانی که نوزادی متولد می‌شد، تا قبل از آنکه چهل‌روزه شود، اگر فردی تازه‌وارد، یا زنی که تازه عروسی کرده یا به‌تازگی بچه‌ای را قبل از نوزاد آن‌ها به دنیا آورده، به دیدن می‌رفت، بچه چله‌ای می‌شد؛ یعنی مریض یا ناقص می‌شد و مادر بچه نیز نازا می‌شد. همچنین اگر کسی از تشییع جنازه آمده بود، تکه‌ای از کفن مرده را با خود می‌آورد و به بازوی بچه می‌بست تا چله‌ای نشود. در صورتی که بچه چله‌ای می‌شد، بعضی‌ها مانند پیرزن‌های مسن که به آن‌ها سیده یا منزوله می‌گفتند و معتقد بودند با جن و پری در ارتباط هستند، دعایی می‌خواندند و

پشت بچه را با سوزن خال کوبی می‌کردند تا بچه خوب شود. به هر حال معتقدند که بچه و مادرش پس از مراسم حمام چهلم دیگر چله‌ای نمی‌شود و با پشت سر گذاشتن این دوره از این مورد درامان خواهند بود (اتابکی، ۱۳۸۱: ۳۸۶). شاید این سؤال پیش بیاید که زنان و دختران در چه سنی به انجام عمل خال کوبی روی می‌آوردند؟ زنان و دختران بختیاری می‌توانستند در هر سنی از کودکی تا کهن‌سالی، عمل خال کوبی را برای درمان و مقابله با نیروهای مافوق طبیعی انجام دهند، اما فقط تا قبل از ازدواج می‌توانستند این عمل را برای زیبایی و بخت‌گشایی انجام دهند و پس از ازدواج به دلیل دغدغه‌های بسیار زیادی که در زندگی داشتند، زیبایی به ورطه فراموشی سپرده می‌شد. گاهی خال کوبی توسط خود فرد انجام می‌گرفت که در این مواقع، طرح مدنظر توسط خود او انتخاب می‌شد. در برخی مواقع، افراد با مهارت خاص مبادرت به انجام این عمل می‌کردند و با توجه به خواسته فرد و کاربردهای گوناگون خال کوبی نقش مورد نظر را با سلیقه خود بر بدن فرد حک می‌کردند.

جدول ۴. جدول خال کوبی باروری و زایمان

ردیف	نقش خال کوبی	طرح خطی	وجه نشانگی	محتوای نشانگی
۱			نماد	نیزه سه شاخ برای دفع آل و موجودات خبیث به کار می‌رود.
۲			نماد	نقش تختۀ تلاش، نقش طلسمی است که برای دوری از آل به کار می‌رود. فرزند متولد شده است و مادر خواهان این است که همواره از کودکش در برابر اهریمن و جن محافظت شود. این نقش روی نوارهای بافته وریس و شیردنگ به کار می‌رود که معمولاً این نقش را روی چوب درخت تاگ حک و به گهواره کودک آویزان می‌کردند.
۳			نماد	نقش طلسم به صورت دستبند ترسیم شده است. این نقش مایه برای دفع آل به کار می‌رود و روی وریس نیز دیده می‌شود.
۴			نماد	نقش طلسم برای دوری از آل و موجودات خبیث به کار می‌رود.

مواد، ابزار و روش اجرای خال کوبی

بختیاری‌ها برای خال کوبی از ترکیباتی مانند دوده سیاه، زغال و زعفران و زهره (محتویات کیسه صفر که رنگ سبز دارد) حیواناتی مانند خوک، خرس، گوسفند و گاو استفاده می‌کنند. ابتدا نقش مورد نظر روی پوست طراحی می‌شود، سپس با زدن ضربه‌های سوزن بر پوست، سطح نقش خونین می‌شود و ترکیب مواد مورد نظر را روی محل خال کوبی می‌گذارند. ترکیب خال بعد از گذشت ساعتی از راه زخم سوزن‌ها در پوست جذب می‌شود. در آخر برای آنکه نقش برجسته به نظر برسد، روی زخم حاصل از خال کوبی زردچوبه می‌ریزند (داوودی، ۱۳۹۳: ۳۸۲).

براساس گفته‌ی ارسلان خواجوی برای تهیه‌ی مخلوط رنگی به‌منظور خال کوبی در قوم بختیاری ابتدا مواد زیر را با هم ترکیب می‌کنند و به‌مدت سه روز در جایی گرم قرار می‌دهند تا به‌خوبی ترکیب شوند. ترکیبات بدین ترتیب است: آب قلیان، رازیانه برای خوشبوکردن آب قلیان، گیاه سبزرنگی به نام اسپرزه (*Asparze*) که هم در گرمسیر می‌روید و هم در سردسیر و در کنار درختچه‌ی گینه (کتیرا) رشد می‌کند. این ترکیبات را می‌کوبند و به مخلوط اضافه می‌کنند. زهله (زهره) گاو یا کبک را که سبب تیره‌ترشدن مواد خال کوبی می‌شود، به‌همراه دوده (کربن) تولیدشده از سوختن نوعی گینه‌چوب با هم ترکیب می‌کنند و با یک قلم فلزی که مخصوص خال کوبی است (قلم تهیه شده از چوبی به‌اندازه‌ی چوب خلال دندان) طرح خال کوبی را روی بدن می‌کشند. سپس با پودر زنجبیل یا محلول آن سطح طرح را می‌پوشانند تا کمی بی‌حس شود و درد ناشی از سوزن‌زدن کاهش یابد. آخرین مرحله سوزن‌زدن است.

در گذشته در روستاهای سادات حسینی برای خال کوبی‌های زنان گیاه پونه^۱ را به‌کار می‌بردند. آن‌ها مقداری پونه تازه را می‌کوبیدند و کمی آب به آن اضافه می‌کردند و چنگ می‌زدند. سپس اندکی خاکستر را اضافه می‌کردند و ترکیب به‌دست‌آمده را روی محل مورد نظر می‌مالیدند و با ضربه‌های یک سوزن نقش دلخواه را انتقال می‌دادند. سپس محل حاصل از ضربات سوزن دچار خونریزی می‌شد و موادی که روی پوست قرار داشت، از طریق این منافذ وارد پوست می‌شد و نقوش سبزرنگ به‌وجود می‌آمد. پس از پایان کار برای آنکه زخم دچار عفونت نشود، تا چند روز مانع رسیدن آب به زخم می‌شدند (رضوی، ۱۳۸۹: ۱۵۵).

به گفته‌ی عکاشه، گاهی برای خال کوبی از خاکستر استفاده می‌کردند و پس از کشیدن نقش و سوزن‌زدن بر آن، روی زخم حاصل از سوزن‌ها، خاکستر یا همان تش‌چاله می‌زدند، اما

^۱ پونه از تیره‌ی نعناع، گیاهی علفی رونده، راست و منشعب با گل‌های سنبله به رنگ بنفش. پونه شبیه نعناع است با عطری بسیار مطبوع و دلپسند.

چون رنگ حاصل از آن ترکیب، متمایل به خاکستری می‌شد، برای آن‌ها زیبا نبود؛ به همین دلیل بعدها از دوده حاصل از چراغ نفتی استفاده کردند؛ زیرا رنگی که از دوده به دست می‌آمد، از نظر آن‌ها ماندگارتر بود. در ادامه عکاشه بیان می‌کند مرغوب‌ترین و بهترین روش برای خال‌کوبی میان بختیاری‌ها ترکیبی است که از زهله کبک (صفرای کبک) و زهله کلاغ (صفرای کلاغ) به همراه خون کبوتر به دست می‌آید و معتقد بودند زیباترین رنگ سبز را می‌توان از این ترکیب به دست آورد و ماندگارترین رنگ برای خال‌کوبی است که با گذر عمر از سبزی آن کاسته نمی‌شود.

ایجادکنندگان نقوش خال‌کوبی

بهزادی معتقد است خال‌کوبی را می‌توان از حرفه‌های مرسوم میان کولی‌های شرقی دانست. این رسم در میان طبقات پایین در سوریه، مصر، بین‌النهرین، عربستان و بخش‌هایی از ایران رایج بوده است. کسانی که به این حرفه مشغول بودند، بدن‌های خود را با نقوش خال‌کوبی می‌آراستند. بعضی انسان‌شناسان بر این باورند که خال‌کوبی از رنگ‌کردن صورت و بدن به وجود آمده است. در جزایر اقیانوس کبیر، رنگ سیاهی را که از مخلوط دوده و آب یا روغن و گاهی عصاره گیاهی حاصل می‌شد، با اشیای نوک‌تیز به زیر پوست منتقل می‌کردند. نقوش خال‌کوبی برای همیشه روی بدن باقی می‌ماند و امکان اصلاح هیچ اشتباهی وجود ندارد (بهزادی، ۱۳۶۸: ۱۸۵).

بختیاری‌ها به کولی‌ها غربتی می‌گویند. کولیان به کارهایی مانند جن‌گیری، دعانویسی، خال‌کوبی، آهنگری، رقاصی، جادوگری، حصیربافی و بخت‌گشایی و سبذبافی می‌پرداختند (داوودی، ۱۳۹۳: ۳۹۵). به گفته بیرانوند، در قدیم افرادی در روستا و در میان عشایر حضور داشتند که حرفه خال‌کوبی را از اجداد خود فراگرفته بودند و برای دیگران به کار می‌بردند. گاهی این عمل را برای کسب درآمد انجام نمی‌دادند و کسانی که مایل بودند نقوش پیچیده، زیبا همراه با رنگ سبز ماندگاری داشته باشند و به صورت دقیق اجرا شوند، به این افراد محلی که بیشتر آن‌ها خانم بودند، مراجعه می‌کردند، اما افرادی که به این خالکوبان دسترسی نداشتند و خواهان نقوش ساده‌تر مانند خال بودند، خودشان با سوزن این عمل را انجام می‌دادند. همچنین افرادی بودند که خال‌کوبی کردن شغل و حرفه آن‌ها محسوب می‌شد و از این طریق امرار معاش می‌کردند. قابله‌هایی که بچه را به دنیا می‌آوردند، این حرفه را نیز بلد بودند و شکل‌های پیچیده و مشکل را با خال‌کوبی بر بدن خواهان این نقوش می‌کوبیدند. برخی نیز بر این اعتقادند در حمام خانه‌های قدیم دلاک‌ها نیز عمل حجامت و خال‌کوبی را انجام می‌دادند. به گفته برخی اشخاص، کسی که عمل خال‌کوبی جزء حرفه وی محسوب می‌شد، از علوم غریبه نیز آگاه بوده است و با توجه به اسم شخص به ویژه اسم مادر

و تبدیل کردن آن به عدد، نقوشی را متناسب با خواسته فرد روی بدنش نقش می‌زد. در گذشته، برخی طوایف این عمل را انجام می‌دادند. در هر طایفه‌ای افرادی بودند که در انجام دادن عملی خبره بودند و افراد از هر طایفه‌ای بسته به نوع خدماتی که نیاز داشتند، به طایفه مورد نظر مراجعه می‌کردند و کسانی که به دلایل مختلف به خال‌کوبی نیاز داشتند، نزد طایفه‌ای می‌رفتند که این عمل جزء حرفه آن‌ها بود و بدان شهره بودند. برخی نیز معتقدند عمل خال‌کوبی را غربتی‌های دوره‌گردی انجام می‌دادند که هر چند ماه یک‌بار به میان روستا می‌آمدند و کارهایی مانند خال‌کوبی و آهنگری را برای روستاییان انجام می‌دادند. همچنین عمل خال‌کوبی را بعضی‌ها مانند پیرزن‌های مسن که به آن‌ها سیده و منزوله می‌گفتند، انجام می‌دادند و معتقد بودند با جن و پری در ارتباط هستند.

نتیجه‌گیری

خال‌کوبی زنان بختیاری خوزستان دلایل گوناگونی دارد که از این میان، جنبه‌های تزیینی و زیبایی‌شناختی، درمان و شفا، جادویی و مقابله با نیروهای مافوق طبیعی، باروری و زایمان بررسی شد. با توجه به نیازی که زن بختیاری به خال‌کوبی دارد نقوشی را بر روی بدنش نقش می‌کنند. نقوشی که بر متن بدن زنان می‌نشیند، بیانگر دغدغه و انتقال اندیشه زن بختیاری و زاینده ذهن خلاق فرد خال‌کوب‌کننده است که ریشه‌ای دیرینه در پیشینه اجدادی این مردمان دارد که مبین آیین، فرهنگ و باور آنان است. براساس یافته‌های این پژوهش، نقوش خال‌کوبی بررسی شده بیشتر در قالب نماد و شمایل و به‌ندرت به شکل نمایه ترسیم شده‌اند و براساس نقش کاربردی و قراردادی بودن نشانه‌ها طبقه‌بندی می‌شوند. در میان نظام نشانه‌ای نقوش خال‌کوبی زنان بختیاری، نقش نماد پررنگ‌تر است؛ زیرا براساس قراردادهای اجتماعی ایل بختیاری تعیین می‌شود و تأثیرپذیری آن از فرهنگ بسیار بیشتر است. بر مبنای سپهر نشانه‌ای لوتمان می‌توان گذر از طبیعت به فرهنگ و تسلط و برتری نقش فرهنگ را مشاهده کرد که مهم‌ترین ویژگی نقوش خال‌کوبی است. نظام طبیعت با نقوشی مانند نقوش کیهانی شامل ماه، خورشید، ستارگان و درختان، گیاهان و حیوانات مانند بز کوهی ترسیم شده است که همه این نقوش همراه با نقوش ماورایی که در حیطه فرهنگ قرار می‌گیرد و به‌صورت خال بر بدن زن حک می‌شود، در خدمت اندیشه زن بختیاری قرار می‌گیرد تا بتواند خواسته وی را برآورده کند. زندگی روزمره، اعتقادات، باورها، طبیعت پیرامون و غیره از دید لوتمان بار نشانه‌ای هستند و سبب می‌شوند زنان بختیاری از این رمزگان‌ها برای ایجاد نقوش خال‌کوبی بهره ببرند. نقوش خال‌کوبی که تحلیل شدند، درون نظام فرهنگی ایل بختیاری حاصل شده‌اند و نقش‌مایه‌ها شاخصه‌های فرهنگی سپهر نشانه‌ای ایل بختیاری را تشکیل می‌دهند. بختیاری‌ها خال‌کوبی را

به دلایل گوناگونی انجام می‌دهند؛ گاهی زنان بختیاری برای بیان اندیشه و کسب نیرویی برتر نقوشی را بر بدنشان خال‌کوبی می‌کردند که برای آن‌ها خاصیت جادویی داشت. به دلیل شرایط سخت معیشتی و تقابل همیشگی مرگ و حیات در جغرافیای زندگی بختیاری‌ها که به ناتوانی آنان در برابر قضا و قدر الهی و حوادث غیرمترقبه و ناملايمات طبیعت چون سیل، زلزله و خشکسالی منجر می‌شود، می‌تواند دلیلی برای پناه‌آوردن آنان به خال‌کوبی باشد. در برخی مواقع افراد برای دوری از چشم‌زخم و گزند و بلایا و خطرات احتمالی و مقابله با نیروهای مافوق طبیعی نقوشی را بر بدن خود به تصویر می‌کشیدند. گاهی خال‌کوبی جنبه زیبایی و تزیینی داشت. زنان بختیاری برای آراستن ظاهر خود نقوشی را بر صورت و بدن خود حک می‌کردند تا ظاهر زیباتری داشته باشند. در برخی مواقع، به‌جای زیورآلاتی که توان خرید آن را نداشتند، از خال‌کوبی برای تزیین بدن خود استفاده می‌کردند. یکی دیگر از کاربردهای خال‌کوبی برای درمان برخی بیماری‌هاست. گاهی خال‌کوبی برای خارج کردن باد به‌کار می‌رفت که به اعتقاد بختیاری‌ها موجب بیماری می‌شود. فضای حاکم بر سپهر نشانه‌ای این نقوش بازنمون نیروهای خبیث و بادهایی است که به اعتقاد بختیاری‌ها منجر به بیماری می‌شوند. فرد بومی می‌خواهد با متوسل شدن به خال‌کوبی دردها و بیماری‌های خود را درمان کند. خال‌کوبی برای زنان باردار خاصیت درمان و پیشگیری از امراض و دوری از بلایا را داشت. گاهی بحث اعتقادی در میان بود و افراد سمبل‌ها و نمادهایی را به‌عنوان خال بر بدنشان نقش می‌زدند. بومیان بر این اعتقادند که اگر روی بدن زن باردار نقشی را حک کنند، دیگر اتفاق‌های بد برای فرد نمی‌افتد و آل یا دال نمی‌تواند به او و نوزادش آسیبی برساند. لوتمان به ما نشان می‌دهد که چگونه یک اثر قادر است هم خود و هم دنیا را تعیین و الگوسازی کند و به دنیای واقع پیوند بخورد. نشانه به نشانه کل تبدیل می‌شود و نشانه‌شناسی قادر است از بازی صورت‌ها فراتر برود. شایان ذکر است نقوشی که در خال‌کوبی استفاده می‌شد، در سایر هنرهای ایل بختیاری نیز مشاهده می‌شود. اگر دست یا ذهن هنرمند به خلق نقوشی عادت کند، این نقش‌مایه‌ها می‌تواند در همه هنرها به‌کار رود. یک نقش می‌تواند برای افراد مختلف نام‌ها و معانی متفاوتی داشته باشد و به شکل‌های گوناگونی تفسیر شود و حتی با گذشت زمان نیز تغییر کند. جادو، طلسم، موجودات خیالی، اشیای دارای قدرت جادویی و غیره نشانه‌های فرهنگی هستند که متأثر از عقاید و باورهای زنان بختیاری است. همه این‌ها نشانه‌هایی رمزی هستند که از نشانه‌های فرهنگی محسوب می‌شوند. در پس برخی نقوش خال‌کوبی مفاهیمی چون جادو، طلسم، بدی، خوبی، ناپاکی و موجودات فراطبیعی همچون آل وجود دارد که هرکدام دالی بر نشانه‌های فرهنگی هستند. در مجموع، همان‌گونه که نشانه‌شناسی روشی برای تحلیل تمامی نظام‌ها در متن است، ما نیز کل نظام فرهنگی خال‌کوبی زنان بختیاری را به‌عنوان متن در نظر گرفتیم که بر بستر

بدن افراد گوناگون می‌نشینند. می‌توان هرگونه طرح و نقش خال‌کوبی را بارها و بارها دوباره خوانی کرد و اطلاعات مختلفی را به دست آورد. گاهی یک شکل و یک طرح روی بدن زنان گوناگون می‌تواند تعبیر و تفاسیر گوناگونی داشته باشد. همان‌طور که لوتمان بیان می‌کند، امکان‌های متعدد و گوناگونی وجود دارد که قادر است متون را بیافریند که هریک متفاوت از دیگری است و معادل یکدیگر نیستند.



منابع

- آدامز، لوری (۱۳۹۴). روش‌شناسی هنر، ترجمه علی معصومی، تهران: نظر.
- اتابکی، علی (۱۳۸۱). *مردم‌نگاری شهرستان رامهرمز*، خوزستان: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری خوزستان.
- بوآس، فرانسیس (۱۳۹۱). *مردم‌شناسی هنر/تداپی*، ترجمه جلال‌الدین رفیع‌فر، تهران: گل‌آذین.
- بهزادی، رقیه (۱۳۶۸). «خال‌کوبی از دیرباز تا کنون»، *مجله چیستا*، شماره ۶۲، صص ۱۸۰-۱۹۶.
- چندلر، دانیل (۱۳۹۷). *مبانی نشانه‌شناسی*، ترجمه مهدی پارسا، تهران: سوره مهر.
- دادور، ابوالقاسم و مؤذن، فرناز (۱۳۸۸). «بررسی نقوش بافته‌های بختیاری»، *دوفصلنامه علمی-پژوهشی گلجام*، شماره ۱۳، صص ۳۹-۵۷.
- داوودی حموله، سریا (۱۳۹۳). *دانشنامه قوم بختیاری*، اهواز: نشر معتبر.
- رضوی، منصوره (۱۳۸۹). *گیاه مردم‌نگاری ایزه: بررسی گیاهان خودرو در شهرستان ایزه*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک. اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خوزستان.
- سبزی، فرانک (۱۳۸۹). *شناخت فرهنگ خال‌کوبی بین‌کولیان واقع در خیابان بوعلی شهر کوه‌دشت*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: محمد حسین فرجاد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران.
- سجودی، فرزانه (۱۳۹۰). *نشانه‌شناسی فرهنگی*، چاپ اول، تهران: علم.
- سجودی، فرزانه (۱۳۹۶). *نشانه‌شناسی فرهنگی یوری لوتمان و دیگران*، گروه مترجمان (شهنواز شاه‌طوسی، فرناز کاکه‌خانی، فرهاد ساسانی، نفیسه عروجی، فرزانه سجودی، تینا امراللهی، مریم محمدی)، تهران: نشر علم.
- سجیراتی، سهام (۱۳۸۷). *ریشه‌یابی نقوش تزئینی هنرهای بومی مردم عرب خوزستان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: مرتضی افشاری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شاهد.
- سمنکو، الکسی (۱۳۹۶). *تار و پود فرهنگ: درآمدی بر نظریه نشانه‌شناختی یوری لوتمان*، ترجمه حسین سرفراز، تهران: نشر علمی و فرهنگی.
- صرامی، عارفه (۱۳۹۵). *تاتو به‌عنوان هنر در ساختار فرهنگی و اجتماعی معاصر*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشگاه هنر اصفهان.
- عابدینی، گلناز، حیدری، احمد و سلمانی انباردان، علیرضا (۱۳۹۶). «نقش گرگ از اسطوره تا تاتو»، *دوماهنامه پژوهش در هنر و علوم انسانی*، شماره ۱ (پیاپی ۳).
- عربشاهی، ابوالفضل (۱۳۹۸). *نماد و نشانه‌شناسی فرهنگی*، تهران: آرون.
- غفاری نیل، پریسا (۱۳۹۵). *نشانه‌شناسی فرهنگی هنر تعاملی با تأکید بر نظریه لوتمان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: اشرف السادات موسوی لر، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه الزهراء.

غلامپور گلی، محبوبه (۱۳۹۰)، بررسی نشانه‌شناسانه هزار و یک شب صنایع‌الملک، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: فاطمه هنری مهر، دانشکده هنر، دانشگاه الزهرا.
غلامعلی، حاتمی (۱۳۷۴). «نقش و نماد در سفالینه‌های کهن ایران»، فصلنامه هنر، شماره ۲۸، صص ۳۷۸-۳۵۵.

غیبی، مهرآسا (۱۳۹۱). ۳۵۰۰۰ سال تاریخ زیورآلات اقوام ایرانی، تهران: هیرمند.
فکوهی، ناصر (۱۳۹۶). مصاحبه‌ای تحت عنوان «خال کوبی از سنت تا مدرنیته شهری»، سایت انسان‌شناسی و فرهنگ.

<https://chefchefak.blog.ir/post/tattoos-from-tradition-to-urban-modernity>

لوتمان، یوری (۲۰۱۱). سیمیا/الکون، ترجمه عبدالمجید نوسی، بیروت: مرکز الثقافی العربی.
مجیدی خامنه، فریده (۱۳۹۳). سخنرانی تحت عنوان «بررسی انسان‌شناختی خال کوبی در میان زنان منطقه جنوب فارس»، سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی، فارس، شیراز.

مددی، حسین (۱۳۸۶). نماد در فرهنگ بختیاری، اهواز: مه‌یار.
واکر، جان و چاپلین، سارا (۱۳۸۵). فرهنگ تصویری: مبانی و مفاهیم، ترجمه حمید گرشاسبی و سعید خاموش، تهران: اداره کل پژوهش‌های سیما.

هال، جیمز (۱۳۹۷). فرهنگ نگاره‌نمادها در شرق و غرب، ترجمه رقیه بهزادی، تهران: فرهنگ معاصر.
Casa, Della Phillippe., & Constanze, William. (2013). *Tattoos and Body Modifications in Antiquity: Proceedings of the sessions at the EAA annual meetings in The Hague and Oslo, 2010/11*, Zurich Studies in Archaeology, 9, 97-101. Zurich: Chronos.
People, James., & Bailey, Garrick. (2012). *Humanity: An Introduction to Cultural Anthropology* (9th ed.), Belmont: Wadsworth.

Scheinfeld, Noah. (2007). Tattoos and Religion, *Clinics in Dermatology*, 25, 362-366.
Wolfa, Aaron. Deter., Benoît Robitaille, Benoit., Krutakc, Lars., & Galliotd, Zini Lise, Michelle. Larissa., Cataldo Neto, Alfredo., Chitto Gauer, Gabriel. Jose., Jorge Dias, Hericka. Zogbe., & Pickering, Viviane. Leal. (2010). Tattooing: Profile and Discourse of Individuals with Marks in the Body: *An Bras Dermatol*, 855, 631-638.
DOI: [10.1590/s0365-05962010000500006](https://doi.org/10.1590/s0365-05962010000500006)

